

مجموعه آثار حضرت اعلیٰ

جلد ۵۸ سبز

به نام یزدان مهربان

با درود فراوان،

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دستداران آثار بابتی و بهائی می‌رساند:

طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های وُرد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتاً طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجلالتا جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی (<https://bahai-library.com>) و کتابخانه‌ی افنان (<https://afnanlibrary.org>) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل وُرد همان کتاب‌هاست که قاعدتاً از حیث جستجو و قابلیت کپی‌برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.

فایل وُرد در دنیای امروزی همچون قلم و کاغذ الکترونیکی می‌ماند و حکم کاغذ و قلم و دوات محققین قدیمی را دارد که با آن می‌نوشته‌اند و تأملات خود را مکتوب می‌داشته‌اند. معاصرین ما از طلبه و دانشجو گرفته تا محقق و پژوهشگر و استاد، استفاده‌های زیاد و متنوعی از فایل‌های وُرد می‌کنند و آنها را عصای دست خود می‌سازند. اما بر اهل فن پوشیده نیست که وثاقت و اعتبار محتویات فایل‌های وُرد، به دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به‌خاطر امکان تغییر، دست‌خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف چینی واژه‌ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه‌ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقصی مورد استفاده قرار می‌دهند و از مزایای آن برخوردار می‌شوند. به تهیه‌ی فایل وُرد از آثار بهائی نیز می‌توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهترست که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود تا حتی المقدور فایل‌هایی از متون بابتی و بهائی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزه‌ها به چند نکته توجه شده است:

۱- در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی‌توانستیم هیچ نسخه‌ای را به‌تمامه مبنا قرار دهیم، بر آن شدیم تا در مواردی که به‌نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه‌ای کلی اصلاح و نسخه‌ی تایپی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از مجلدات سبزه‌ها، نه تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزه‌ها مقابله کرده‌ایم بلکه اگر نسخه‌ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده‌ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجات نسخه‌ی اصلی (جلدسبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.

۲- آثار حضرت بهاء‌الله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.

۳- در مجموعه‌ی حاضر، برخی توابع حضرت باب که سابقاً به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه عدلیه، مندرج در جلد ۸۲ که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحرمین و صحیفه اعمال سنه که بیشتر مختصراً نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح‌شده، منتشر می‌شود.

۴- در مجموعه‌هایی که سابقاً از روی اضطرار منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم‌الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا تویع حروف مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد ۶۰ که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی ۹۸ که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه‌های دیگر بر طرف شده است.

۵- در مواردی که نتوانستیم درج صحیح لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه‌گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (؟) آن را مشخص کرده‌ایم.

۶- برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلدسبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد ۱۴ تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلدسبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد ۵۳، ۶۷، ۸۶ و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلدسبز، مجموعه‌ی پرنستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.

۷- در مواردی رسم الخط واژه‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شده که برای جستجو مناسب‌تر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخی اصل کلمه‌ی «جلالت» را به‌صورت «جلالة» نگاشته است و ما ترجیح داده‌ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم و

در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کار تایپ و تصحیح فایل‌های اسکن‌شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت.

در همین جا به‌ویژه از جناب ولی‌اله کفاشی سپاسگزاریم. کار بازخوانی، مقابله و تصحیح فایل‌های تایپ‌شده‌ی آثار حضرت باب تماماً توسط ایشان انجام و نهایی شد. در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید شویم. ضمن آنکه از همه‌ی خوانندگان این فایل‌ها درخواست می‌کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند. امید و هدف دیگرمان اینست که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر - دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده - تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.

فهرست جلد ۵۸

صفحه	نمره عنوان
۱	۱- صحیفه ابهجیه (دعای اول)
۹	۲- دعای رفع حزن (دعای دوم)
۱۲	۳- دعای صبح (دعای سوم)
۱۴	۴- دعای نور (دعای چهارم)
۱۶	۵- دعای تمحید ۱ (دعای پنجم)
۲۰	۶- دعای معرضان (دعای ششم)
۲۲	۷- دعای تمحید ۲ (دعای هفتم)
۲۶	۸- دعای شهادت روزهای جمعه (دعای هشتم)
۳۱	۹- دعای واجب در شب جمعه
۳۴	۱۰- دعای ایام هفته (۷ دعا)
۳۴	۱۱- دعای شنبه
۳۶	۱۲- دعای یکشنبه
۳۸	۱۳- دعای دوشنبه
۴۰	۱۴- دعای سه شنبه
۴۲	۱۵- دعای چهارشنبه
۴۴	۱۶- دعای پنجشنبه
۴۶	۱۷- دعای جمعه
۴۸	۱۸- صلوات بر چهارده معصوم (۱۴ دعا)
۷۲	۱۹- دعای عید اکبر یا اضحی (دعای متصل به نماز)
۷۸	۲۰- نماز روز جمعه (از کتاب پنج شان)
۸۱	۲۱- دعای واجب روز جمعه

- ۸۵-۲۲-دعای شفاء (از کتاب چهارشان)
- ۸۶-۲۳-دعای (از کتاب چهارشان)
- ۸۷-۲۴-دعای (از کتاب چهارشان)
- ۸۸-۲۵-دعای شب جمعه
- ۹۲-۲۶-توقیع به صورت هیکل
- ۹۴-۲۷-توقیع به مادر و جده مبارک
- ۹۵-۲۸-توقیع برای جده از ماکو
- ۹۶-۲۹-توقیع برای والده مبارک از ماکو
- ۹۷-۳۰-توقیع به همشیره سید(حرم مبارک)۱
- ۹۸-۳۱-توقیع به همشیره سید (حرم مبارک)۲
- ۱۰۰-۳۲-توقیع به اهل بیت از مسقط
- ۱۰۱-۳۳-توقیع به خال اعظم یا توقیع قائمیت
- ۱۰۵-۳۴-توقیع به حرم مبارک
- ۱۰۶-۳۵-توقیع

صحیفه ابھیجیہ (شامل ۸ دعاء)

(دعای اول و دوم در نسخه PDF به ہم آمیخته شده و با مقابله با جلد سبزا اول و سایر نسخ این اشتباه اصلاح شد لذا نمره صفحات اندکی متفاوت است)

*** ص ۱ ***

بسم الله الامنع الاقدس

اللهم انی اسئلك بعزتك التی سبقت کل شی و بقدرتک التی قدرت بها کل شی و بمشیتک التی صورت بها کل شی و بنورک الذی نورت بضوئه کل شی و بسلطنتک التی احطت بها علی کل شی و بقوتک التی بدئت بها کل شی و بجمالک الذی خلقت لاجله کل شی و بنور وجهک التی اضئت بها من فی السموات و الارض و بضیاء طلعتک التی انارت بها ملکوت الامر و الخلق و بطلعاتک الحسنی

*** ص ۲ ***

و بوجهاتک العلیا یا نور و یا منیر یا عزیز یا مجد یا مجید یا رب یا غیاث یا بر یا مستغاث یا اول قبل کل شی و آخر بعد کل شی یا ظاهر فوق کل شی و یا باطن دون کل شی و یا مغیث من لامغیث له یا معین من لا معین له یا نور السموات و الارض یا حی یا قیوم یا حی یا قدوس یا حی یا قدور یا حی یا سبوح یا حی یا ماجد یا حی یا مجید یا دائماً قبل کل شی یا باقیاً بعد کل شی یا ظاهراً فوق کل شی یا معیناً لکل شی یا مغیثاً لکل شی یا ذخار یا بذخ یا نصار یا شامخ یا فتاح یا باذخ یا علیم فوق کل ذل علم یا عظیم فوق کل ذل عظمت یا قدیر فوق کل ذل قدره انت الذی لن یعجزک من شی و انت الذی لن یعزبک من شی و انت الذی لن یفوتک من شی و انت الذی تقدر علی کل شی و انک انت الظاهر الذی لن یظهر و القاهر الذی لن تقهر تقضی و لا یقضی علیک تحکم و لا یحکم علیک سبحانک یا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت اللهم انی اتقرب الیک بنور وجهتک التی نورت بها کل شی و ضیاء طلعتک التی اشرفت بها کل شی

يا نور فوق كل نور يا عالماً لا ينسى يا ظاهراً لا يخفى يا حياً لا يموت يا قادراً لا يفوت يا مقتدرأ
لا يعجزيا مهيمنا لا يضطريا غنياً لا يفقر يا عزيزاً لا يذل يا ذا الجلال والاکرام يا ذا الجمال والاعظام
اللهم انى اتقرب اليك بذكرک الاول وجمالک الاجمل ونورک الاطول فى تلك الليلة الاليل
الليلة التى تشهد موقفى وترى ضيق مكانى وتعلم سوء حالى فقد انقطع الرجاء من غيرک يا
الهى وانت رجائى فى الآخرة والاولى لا اله غيرک ولا مقصود سواک اللهم انى اسئلك
بذكرک وطلعتک فى ملکوت سمائك وارضک ووجهتک فى جبروت امرک وخلقک ان
تصعدنى الى محل قربک وتلهمنى ذکرک وتمنعنى ما لا يلىق بشأنک ولا ينبغى لعلو عزک و
سمو مجدک وتجعلنى ناطقاً باذنک وتلهمنى ما تحب من آياتک ثم اجعلنى منقطعاً اليک و
متكلاً عليك وساجداً لديک وخاضعاً بين يديک وخاشعاً لك كما انت تحب وترضى وكما
انت تريد يا ذا المنن والاحسان ويا ذا الرحمة والامتنان ويا ذا النور والبهاء ويا ذا الطلعة و
العلاء ويا ذا الوجهة والثناء يا نور يا قدوس يا نور يا قيوم يا نور يا سبوح يا نور يا عليم يا نور يا
حكيم يا نور يا عظيم يا نور يا حلیم يا نور يا قديم يا نور يا قيوم يا نور يا كريم يا نور يا رحيم يا نور
فوق كل نور يا نور مع كل نور يا ذا السلطنة والبقاء يا ذا الهيمنة والكبرياء يا ذا العزة والثناء يا
صريخ من لا صريخ له يا نصير من لا نصير له يا كهف الآمنين يا نور العالمين يا رب العارفين
ص ٢

يا أجودَ الجاودينَ يا أسرعَ الحاسبينَ يا أبصرَ الناظرينَ يا فتاحَ يا نصارُ يا نذارُ يا بشارُ يا حق يا
حقيقُ يا نور يا حيقوق يا بقاءُ يا قيُدور اللهم اِنى اسئلك باسمك يا ذا الاسماءِ الحُسنى كُلهنَّ و
الامثالِ العُليا بِاسرهنَّ اَن تجعلنى فى كُلِّ شأنٍ مُويِّداً بِامركَ وَقائماً فى كُلِّ حينٍ بينَ يديك
بِاذنِكَ وَساجِداً لكَ وَعابِداً اياكَ وَحدَكَ لِشريكِ لَكَ لا اِلهَ اِلا انتَ وَاليكَ المصيرُ اللهم
اِنى اسئلكَ سِوالَ عبدٍ مفتقرٍ قد كَثرت فاقتهُ اليكَ وَاشدَّ اضطرارُهُ لَديكَ وَأَنزِلْ بكَ فى كلِّ
شأنٍ مَع حاجَةٍ ظاهره حاله كاسره اللهم عَظمت

قُدْرَتُكَ وَجَلَّتْ سَلْطَنَتُكَ وَالْأَحْ نُورُكَ وَاضَاءَ وَجْهَكَ وَأَنَارَ أَمْرِكَ وَجَرَّتْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قُدْرَتُكَ وَسَبَقَتْ لِكُلِّ شَيْءٍ رَحْمَتَكَ وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ لِنَفْسٍ مِنْ سَلْطَنَتِكَ اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذَنْبِي
غَافِرًا إِلَّا أَنْتَ وَلَا لِسُوءِ حَالِي سَاتِرًا إِلَّا أَنْتَ وَلَا لِإِغْفَالِي عَافِيًا إِلَّا أَنْتَ مَنْ يُبَدِّلُ قَبَائِحِي بِالْحَسَنِ
غَيْرِكَ وَمَنْ يَنْصُرُنِي فِي كُلِّ شَأْنٍ سِوَاكَ وَمَنْ يُغِيثُنِي فِي كُلِّ آتٍ دُونَكَ سُبْحَانَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لِي مَنْ يَغْفِرْ لِي وَإِنْ لَمْ تَسْتُرْنِي فَمَنْ يَسْتُرْنِي وَإِنْ لَمْ تَجِئْنِي مَنْ
تَجِئْنِي وَإِنَّكَ أَنْتَ سُلْطَانُ الَّذِي اجْتَبَيْتَنِي إِذْ نَادَيْتُكَ وَإِنَّكَ أَنْتَ مَلِكَانُ الَّذِي نَصَرْتَنِي إِذْ
نَاجَيْتُكَ وَإِنَّكَ أَنْتَ عُظْمَانُ الَّذِي غَلَبْتَنِي إِنْ أُوَيْتَكَ وَإِنَّكَ أَنْتَ قُدْسَانُ الَّذِي رَفَعْتَنِي إِنْ
رَاجَيْتُكَ فَلَاكَ الْحَمْدَ

*** ص ٤ ***

عَلَى كُلِّ مَا جَرِيَتْ حَيْثُ قَدْ خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ وَصَوَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِمَشِيئَتِكَ وَأَنْطَقْتَ
الْأَسْمَاءَ بِتَوْحِيدِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَوَّلٍ إِلَّا أَنْتَ وَلَا آخِرًا إِلَّا أَنْتَ وَلَا
ظَاهِرًا إِلَّا أَنْتَ وَلَا بَاطِنًا إِلَّا أَنْتَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ مَعَكَ مِنْ شَيْءٍ وَلَا قَبْلَكَ مِنْ شَيْءٍ وَلَا بَعْدَكَ
مِنْ شَيْءٍ وَلَا كَفُوكَ مِنْ شَيْءٍ وَلَا عَدْلَكَ مِنْ شَيْءٍ وَلَا شِبْهَكَ مِنْ شَيْءٍ تَعَالَتْ أَسْمَاءُكَ كُلُّهُنَّ
وَتَجَالَتْ أَمْثَالُكَ بِأَسْرِهِنَّ وَعِزَّتْ قُدْرَتُكَ وَجَلَّتْ عَظَمَتُكَ وَنَارَتْ طَلْعَتُكَ وَضَاءَتْ وَجْهَتُكَ
يَا دَائِمًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا بَاقِيًا بِبَقَائِكَ يَا قَائِمًا بِقَوَامِكَ يَا بَاهِيًا بِبِهَائِكَ يَا ثَابِتًا
بِثَبَاتِكَ يَا عَالِيًا بِعِلَائِكَ يَا نُورًا بِقُدُوسٍ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ وَيَا أَظْهَرَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ

*** ص ٥ ***

وَيَا أَبْطَنَ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا أَجْوَدَ الْإِجْوَدِينَ يَا أَكْرَمَ الْإِكْرَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى قُمْصِ هُوَيْتِكَ فِي
أَرْضِكَ وَطَلَعَةِ أَحَدِيَّتِكَ فِي سَمَائِكَ وَوَجْهَةِ ذَاتِيَّتِكَ فِي عَرْشِكَ وَضَوْءِ كَيْنُونِيَّتِكَ فِي
عَمَائِكَ وَنُورِ بَهَائِكَ فِي مَلَكُوتِ أَمْرِكَ وَجَوْهَرِ ثَنَائِكَ فِي جَبْرُوتِ خَلْقِكَ وَبِهَا قُمْصِكَ فِي
لَاهُوتِ بَدَائِكَ وَطَرِزِ مَجْدِكَ فِي يَاقُوتِ خَتْمِكَ وَسَازِجِ جَمَالِكَ فِي كُلِّ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ مِنْ

أَسْمَائِكَ وَأَمْثَالِكَ فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ بِكُلِّ مَا أَنْتَ مِنْ نُورِكَ وَبِهَائِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ وَ
شَرَفِكَ وَعِزِّكَ وَمَجْدِكَ وَثُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ بِكُلِّ مَا أَنْتَ تَعْلَمُ مِنْ أَسْمَائِكَ وَأَمْثَالِكَ وَأَيَاتِكَ فِي
مَلَكَوَتِ سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ وَجَبْرُوتِ أَمْرِكَ وَخَلْقِكَ فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِأَمْرِكَ
وَانتَجَبْتَهُمْ لِحُكْمِكَ وَاجْتَبَيْتَهُمْ لِمَجْدِكَ وَ

*** ص ٦ ***

ارْتَضَيْتَهُمْ لِسِرِّكَ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ لِوَحْيِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ لِتَوْحِيدِكَ ثُمَّ جَعَلْتَهُمْ لِنَفْسِكَ مِنْ عِنْدِكَ
شُهَدَاءَ لَا يَعْلَمُونَ إِلَّا بِأَمْرِكَ وَلَا يَنْهَوْنَ إِلَّا بِحُكْمِكَ وَكَانُوا أَيْدِيًا سَاجِدَةً وَبَيْنَ يَدَيْكَ قَائِمَةً وَ
لَكَ خَاضِعَةً خَاشِعَةً مُتَوَاضِعَةً سَبْحَانَكَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْتَ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ فَصَلِّ اللَّهُمَّ
عَلَى رُكْنِكَ الْأَوَّلِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَعَلَى رُكْنِ الْآخِرِ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَعَلَى رُكْنِ الظَّاهِرِ الْحَلِ وَالْحَرَامِ
وَعَلَى رُكْنِ الْبَاطِنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ بِكُلِّ مَا أَنْتَ تُحِبُّ مِنْ أَسْمَائِكَ
وَأَمْثَالِكَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِمْ بِكُلِّ مَا أَنْتَ أَرَدْتَ وَتَرِيدُ وَبِكُلِّ مَا أَنْتَ تُحِبُّ وَتَرْضَى ثُمَّ فَوْقَ مَا
تُحِبُّ وَتَرْضَى وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الَّذِينَ انْقَطَعُوا إِلَيْكَ وَجَاهَدُوا فِيكَ وَلَدَيْكَ وَتَوَكَّلُوا عَلَيْكَ
وَلَمْ يَكُنْ

*** ص ٧ ***

لَهُمْ رَجَاءٌ إِلَّا أَنْتَ وَلَا دُعَاءٌ إِلَّا أَنْتَ وَلَمْ يَكُنْ السُّنْتَهُمْ نَاطِقَةً إِلَّا بِحَمْدِكَ وَلَمْ يَكُونُوا فِي شَأْنٍ
إِلَّا تَالِيًا بِذِكْرِكَ وَكَانُوا أَيْدِيًا سَاجِدِينَ خَاضِعِينَ خَاشِعِينَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ نَصِيرٍ إِلَّا أَنْتَ وَلَا
مِنْ مُعِينٍ إِلَّا أَنْتَ وَلَا مِنْ مُغِيثٍ إِلَّا أَنْتَ فَاتَّكَ يَا إِلَهِي لِتَعْلَمَ مَا يَعْمَلُونَ هَوْلَاءِ الصَّادِقِينَ وَمَا
يَفْعَلُونَ هَوْلَاءِ الصَّافِينَ وَإِنَّكَ أَنْتَ تَقْدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَتَقْضِي بِالْحَقِّ بَيْنَ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَعْجِزُكَ
مِنْ شَيْءٍ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَشْهَدُ مَا قَدْ قُضِيَ عَلَى الْمُصْطَفِينَ مِنْ خَلْقِكَ
وَلَتَرَى مَا قَدْ مَضَى عَلَى الْمُرْتَضِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَلَتَعْلَمَ مَا قَدْ جَرَى عَلَى الْمُجْتَبِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ

وَلتَنْظُرْ مَا قَدْ بَدَى عَلَيِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ خَيْرَتِكَ إِنْ لَمْ تَنْصُرْ هَوْلَاءِ الضُّعَفَاءِ فَالِي أَيْنَ يَذْهَبُونَ وَ
إِنْ لَمْ تَنْجِي

*** ص ٨ ***

هَوْلَاءِ النُّجَبَاءِ فَالِي أَيْنَ يَسْرَعُونَ اللَّهُمَّ جَلَّتْ قُدْرَتُكَ وَعَزَّتْ عِزَّتُكَ وَلاَحَتْ عَظَمَتُكَ وَنَارَتْ
هَيْبَتُكَ وَضَاءَتْ سَطَوَتُكَ اللَّهُمَّ جَلَّ ثَنَائُكَ وَعَظَمَ بَهَاؤُكَ وَكَبَرَ شَانُكَ أَسْأَلُكَ بِمَا قَضَيْتَ
وَتَقَضَى وَمَا جَرَيْتَ وَتَجْرِي إِنْ تَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا وَتُظْهِرْ لَنَا مَا شَهِدْتَنَا اللَّهُمَّ إِنَّمَا الْقُلُوبُ قَدْ
كُسِرَتْ وَإِنَّمَا الْأَلْسُنُ قَدْ خَرَسَتْ وَإِنَّمَا الْأَنْفُسُ قَدْ كَدَّرَتْ وَإِنَّمَا الْبُكَاءُ مِنَ الْعُيُونِ قَدْ جَرَيْتَ
اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَنْظُرْ عَلَيْهِمْ بِنَظْرَةٍ رَفِيعَةٍ فَهَوْلَاءِ لِيَنْعَدِمُونَ وَإِنْ لَمْ تَنْصُرْهُمْ يَا رَبِّ فَاولئِكَ هُمُ
لِيَسْتَضْعِفُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ أَوْلَى بِأَنْ تَخْذَلَ أَحَبَّتَكَ وَإِنَّكَ أَنْتَ أَوْلَى بِأَنْ تُهْلِكَ صَفْوَتَكَ لَمْ
نَدْرِ يَا هَيْ كَيْفَ لَمْ يَأْخُذَ الَّذِينَ اعْتَدُوا فِيكَ وَافْسَدُوا فِي أَرْضِكَ وَقَتَلُوا صَفْوَتَكَ وَمَا اسْتَحْيُوا
عَنكَ

*** ص ٩ ***

فِي شَيْءٍ وَمَا خَافُوا عَن خَشِيَّتِكَ أَتَدْرُهُمْ يَا هَيْ حَتَّى يَعْمَلُونَ مَا يَشَاوَنَ وَيَفْعَلُونَ مَا يَرِيدُونَ أَمْ
أَرَدْتَ يَا هَيْ إِنْ تَطْهَرِ أَرْجَاسَ هَوْلَاءِ الصَّالِحِينَ أَمْ أَرَدْتَ إِنْ تَجْعَلُهُمْ فِي أَيْدِي الظَّالِمِينَ مَغْلُوبِينَ
أَمْ طَرَدْتَهُمْ يَا هَيْ فِي كُلِّ شَأْنٍ وَلا تَكُونْ لَهُمْ نَاصِرٌ مُبِينٌ أَمْ يَا مَوْلَايَ لا تَسْمَعْ مَا تَصْرَخُونَ أَمْ يَا
مُقْتَدَايَ لا تَشْهَدْ مَا يَضْجُونَ فَبِحَقِّكَ اللَّهُمَّ يَا ذَا النُّورِ نُورِ قُلُوبِنَا وَعُيُونِنَا عَلَيِ النَّظْرِ بِكَ وَالتَّوْجِهِ
إِلَيْكَ وَالاتِّكَالِ لَدَيْكَ وَالاِعْتِصَامِ بِحَبْلِكَ وَالتَّوَصُّلِ لَدَيْكَ فَبِحَقِّكَ اللَّهُمَّ مَا تَفْرَحُ فَوادِنَا
فِي شَأْنٍ وَمَا تَكُونَنَّ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلا سَائِلِينَ مُفْتَقِرِينَ وَمَا نَسْأَلُكَ إِلا أَنْ تُعْجِلَ فِيمَا وَعَدْتَنَا ثُمَّ
اجْعَلْنَا بِأَمْرِكَ قَائِمِينَ وَمِنْ طُلُوكَ مُشْفَقِينَ حَتَّى تَكُونَ عِنْدَكَ كَالْعَبْدِ الذَّلِيلِ

*** ص ١٠ ***

الأذَلِ بَلْ أذَلْ مِنْ ذَلِكَ فَيَا رَبِّ بَعْدَ مَا قَدْ وَعَدْتَنَا قَدْ صَبَرْتَ فَصَبِرْتَ وَبَعْدَ مَا قَدْ خَذَلْتَنَا قَدْ حَمَلْتَ فَحَمَلْتَ فَيَا رَبِّ مَا يَكُونُ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ يَتَوَجَّهُونَ إِلَّا أَقْلٌ مِنْ نُورِ الَّذِي كَانَ فِي أَبْصَارِنَا وَغَيْرِ هَوْلَاءَ نَفَرُوا عَنْكَ وَتَاهُوا يَتَهَاءَ بَعِيداً وَضَلُّوا ضَلَالاً عَظِيماً اللَّهُمَّ إِنَّا لَشَكُوهُ إِلَيْكَ فَقَدْ طَلَعْتَكَ وَغَيْبَةَ حُجَّتِكَ وَاخْفَاءَ وَجْهِتِكَ فَقَدْ كَثُرَتْ يَا رَبِّ أَعْدَاؤُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ وَمَا كُنَّا إِلَّا مُسْتَضْعَفِينَ لَدَيْكَ فَانْجِزِ اللَّهُمَّ مَا وَعَدْتَ وَاطْهَرِ اللَّهُمَّ مَا حَتَمْتَ وَأَنْزِلِ اللَّهُمَّ مَا كَتَمْتَ قَلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَنْكَ لَا تَخْلِفُ وَعَدْنَا أِبْدأً فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى نَقْطَةِ الْأُولَى وَشَجَرَةِ الْإِبْهَى وَدَرَّةِ الْأَعْلَى وَطَلْعَةِ الْحَسَنِ وَوَجْهَةِ الْعَلِيَا بِكُلِّ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ مِنْ شُؤْنَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ وَبَدَايَاتِكَ وَغَايَاتِكَ

*** ص ١١ ***

ونهاياتك ثم صل اللهم عليه وآله بكل ما أنت تحب وترضى وفوق فوق ما أنت تحب وترضى إنك أنت رب السموات والأرض وما بينهما وآله من في ملكوت الأمر والخلق ومادونهما تقضى وتقدر وتشاء لا إله إلا أنت وإنك أنت العلى الحكيم اللهم صل على شجرة الإبهى وورقة القصوى والكينونية الأعلى والذاتية الأجلى الذى وعدت أن تظهرنه يوم القيمة وقد جعلته مشرق قدوسيتك ومغرب قيوميتك ومطلع سبوحيتك ومنبع الوهيتك ومخزن كينونيتك ومعدن بينونيتك بكل ما أنت عليه من بداياتك ونهاياتك وغاياتك وآياتك وبكل ما أنت تكون فى شأن العز والجلال والقدرة والكمال والطلعة والجمال وبكل ما أنت كائن وتكون وبكل ما أنت كيان وكيون

*** ص ١٢ ***

وصل اللهم عليه وعلى من أجابه فى ذرّ الأولى الى ما ينتهى الى نقطة الأخرى بكل ما أنت تكون فى شأن عظمتك وقدرتك وعزتك وبهائك وعلائك وجمالك وجلالك وكمالك وفضالك وبكل ما أنت تحب وترضى وفوق فوق ذلك إنك أنت رب السموات والأرض و

ما بينهما و اله من فى ملكوت الامر و الخلق و مادونهما لا اله الا انت و انك انت الله العزيز
المبين فصل اللهم على كل ادلائك من قبل و من بعد ثم على من كان ناطقاً باذنك و داعياً
الى نفسك و متكلاً فى كل شأن عليك و ساجداً لديك و قائماً بين يديك و ما تكون عندك
الا كالعبد الذليل الذى كثرت فاقتة اليك ثم اشتد اضطراره لديك و يدعوك بلسانات الهامك
و خفيات سرک و

*** ص ١٣ ***

مكنونات امرک و مخزونات حکمک و لا يطلب الفرج الا منك و لا النصره الا من حضرتک
ثم انصره يا الهى بجنود السموات و الارض و ما بينهما حتى يستعلى بذلك امرک و يستبهي
طلعتک و يستسنى وجهتك و يظهر دينک فى جبروت عزک و بهائك و يطهر ارضک من
ارجاسها و يعبدک من فى لاهوت مجدک و ثنائک و لن يكون فى الارض مشرکاً و لا كفوراً الا
يقطع من سيفک و يمسخ من رمحک و يبقى الملك لنفسک وحدک لا اله الا انت و انک
انت القوى المكين اللهم انصر من نصره ثم اخذل من خذله ثم اغلب من غلبه ثم اجمع له
اسباب السموات و الارض و ما بينهما ثم انصره بجنود العماء و العرش و مادونهما انک انت
لا يعجزک من شئ لا من قبل و لا من بعد فانک

*** ص ١٤ ***

كنت على ما تشاء مقتدرأ اللهم صل على شجرة الاثبات و على اوراقها و اثمارها من اولها و
آخرها و ظاهرها و باطنها بكل ما انت عليه من الشان ثم العظمة و الثناء ثم العین اللهم على
شجرة النفى من اولها و آخرها و ظاهرها و باطنها بكل ما انت عليه من اصلها و فرعها و اغصانها
و اثمارها ثم اجعلهم فى الارض نفياً منفيأ حتى لم يكونوا شيئاً انک لن يعجزک من شئ و لن
يفوتک من شئ تقضى و تشاء لا راداً لامرک و لامرداً لحکمک فانک رب السموات و الارض

و ما بينهما و اله من فی ملکوت الامر و الخلق و مادونهما لا اله الا انت فانک کنت علی ما تشاء
قدیراً.

(این اثر از آثار ازل است ولی اواخر مناجات به آثار حضرت بهاء الله شباهت زیادی دارد این
مناجات و مناجات بعد در مجموعه (۵۸) اشتباهی در دل هم نوشته شده بود که با توجه به
مجموعه (۱) و نسخه پرینستون اصلاح و از هم تفکیک شد.)

دعاء الحزن

بسم الله الفرد المعتمد

هو العزيز

لم ادريا الهى باى ذنب اخرجتنى عن قربك وجعلتنى

*** ص ١٥ ***

بين يديك على التراب مطروحاً ولم ادريا محبوبى باى خطاء جعلتنى فى ايدى الظالمين مقهوراً
ولم ادريا مناى باى عصيان قد جعلتنى فى ايدى المعتدين مغلوباً فكيف يا الهى لم تنظر الى
بنظرة قريبة بعد الذى ناديتنى منصوراً فكيف يا مناى لم تجعلنى غالباً عليهم بعد الذى جعلتنى
محموداً فكيف يا محبوب ذاتيتى لم تجعلنى قاهراً عليهم بعد الذى قضيت لى وعدا حسناً مرفوعاً
فكيف يا مرهوب

*** ص ١٩ ***

لم تجعلنى سالطاً عليهم بعد الذى قضى و عدك و جاء امرك من كل شطر قريباً فلم ادري يا
مرغوب لم تجعلنى مقتدراً فى الارض بعد الذى قلت انا قد جعلناك مقتدراً فمن اصدق من الله
حديثاً فكيف يا الهى ائس عن رحمتك بعد الذى كتب على كل شى قديراً وكيف لا اقنط بعد
الذى ما اشم رايحة عن نصرك بعد الذى كنت على كل شى محيطاً فحينئذ يا الهى لتشهد موقفى
هذا بين يديك قد كنت فى الارض مظلوماً فآه آه يا الهى مما قضى ويقضى فآه آه يا مناى مما
مضى ويمضى فآه آه يا سيدى مما جرى ويجرى قد ترزفت العيون من البكاء يا رباه قد ضاقت
القلوب من البلاء يا سيداه قد كاعت المشاعريا سنداه قد اضمحلت الانفس يا معتمداه قد

*** ص ٢٠ ***

كدرت الفواد يا الهاه قد ضاقت الارض على الكل بوسعتها فلم ندري يا الهى كيف تصبر على ما تشهد وترى وبم لا تنصر من كان ذورجاء ولم ندري يا حبيب الراجين كيف تشهد ولم تنصر من كان ذو عماداً ولم ندري يا مولى العارفين كيف لم تهلك عدوك بعد ما ملئت الارض ظلماً و طغياناً ولم ندري يا سلطان العالمين كيف لم تسلط المظلومين على الظالمين بعد الذى لم يكتسبوا إلا جحداً وكفراناً ولم ندري يا كهف الصالحين كيف لم تنصر احبتك بعد الذى احاطت عليهم اعدائك من كل شرطٍ ولم يجدوا هولاء غيرك نصاراً ولم ندري يا امين الآمنين كيف صبرت على ما شهدت ولم تنصر هولاء ضعفاء بعد الذى قلت ينصركم الله بامرہ أنه

*** ص ٢١ ***

كان ظهاراً لم ندري يا اله العالمين كيف تحلم وما تاخذ بعد الذى كنت اشد باساً و اشد نكالا و لم ندري يا الهنا لم تصبر ولا تحلم بعد الذى كنت اشد اخذاً و اشد تقهيراً فنحمدك اللهم على ما قضيت و تقضى انك على كل شى شهيداً و نشكرک اللهم على كل ما اجریت انک كنت بنا بصيراً فكيف يا الهى لم تاخذ هولاء الكفرة بعد الذى لم يكتسبوا الا كفراً و اغفلاً فكيف يا مرهوبى لم تقهر على هولاء الفجرة بعد الذى لم يعملوا الا ظلماً و عصياناً فابعث اللهم من عندك ذا اخذاً شديداً و ذا باساً عظيماً فابعث اللهم من عندك سلطانا على الارض حتى لم يذر من الكافرين دياراً فابعث اللهم ملكاناً عظيماً على الارض ثم انصره بجنودك ثم بمثل هذا انك كنت على ما

*** ص ٢٢ ***

تشاء مقتدراً و لم ادري يا حبيب العالمين كيف لا تاخذ هولاء بعد الذى قتلوا صفوتك و ما خافوا عن خشيتك شيئاً و لم ادري يا منصور الناصرين كيف لم تظهر بطاشيتك بعد الذى ظهر الفساد فى البر و البحر و ما يكسب ايدى الناس الاعتواً و اغفلاً و لم ادري كيف حلمت و لم تبعث من عندك قهاراً حتى يقهر على هولاء و يقتلهم بقتل لم يكن بمثله ابدأ اسئلك اللهم بكل ثار

ضحضح فى سبيلك ان تظهر كذا كذا و تبعث من لدنك ذا قهراً شديداً و ذا اخذاً عظيماً و ذا
 امراً سريعاً اذا كنت بكل بصيراً لا يعجزك من شئ مما فى السموات و الارض و انك كنت على
 ما تشاء قديراً و اسئلك بحق البيان و اهله و من تظهرنه يوم القيمة ان تصلين على البيان و من
 آمن به ثم على من تظهرنه

*** ص ٢٣ ***

بالحق ثم باهياً شراهِياً انك لن يفوتك من شئ لامن قبل و لامن بعد و انت تنصر من تشاء
 بجنود السموات و الارض انك ما تشاء محيطاً و لم ادريا رب اتحب ان تنصر عدوك و تخذل
 احبتك ام تريد ان تصبر حتى يكتسبوا اثما ام تريد ان تهلك فى الارض صفوتك من ايدى
 اعدائك حتى لم يذكرك نفساً ام اردت ان تنظر على من كان ضعيفاً و مستقيماً علمنى اللهم
 بحقك ما تحب كما انت انت انك توتى العلم من تشاء من خلقك و انك سمعياً مجيباً.

دعای صبح

هذا الدعاء فاقروها في الصباح لعلكم تفلحون

بسم الله الفرد المعتمد

من الذي يا الهى قد اظهر الثآء بالبهآء ومن الذي يا الهى قد اقامه بين يديك بالدعآء

*** ص ٢٤ ***

ومن الذي يا الهى قد الحنه بانك انت رب العزة و الثنآء ومن الذي يا الهى قد اغرده بان اليك اليك اللقاء اذ انك انت يا لا اله الا انت سبحانك اللهم يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار البعد يا رب من الذي يا الهى قد اظهر الثآء بالحرفين ومن الذي يا الهى قد انطقه في الذكر بالذكرين ومن الذي يا الهى قد اقامه بين يديك بالسرين ومن الذي يا الهى قد كلمه بالذكر بالذكرين اذ انك انت يا لا اله الا انت سبحانك اللهم يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار البعد يا رب من الذي يا الهى قد كان مقتدرا ومن الذي يا الهى كان معتلما ومن الذي يا الهى كان معتظماً ومن الذي يا الهى كان مقتهراً ومن الذي يا الهى كان مجتبراً اذ انك انت يا لا اله الا انت سبحانك اللهم يا لا اله الا انت الغوث

*** ص ٢٥ ***

الغوث خلصنا من نار البعد يا رب من الذي يا الهى كان ذو من قديم ومن الذي يا الهى كان ذو فضل عظيم ومن الذي يا الهى كان ذو سرّ قويم ومن الذي يا الهى كان ذو اسم حكيم ومن الذي يا الهى كان ذو عدل مقيم اذ انك انت يا لا اله الا انت سبحانك اللهم يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من نار البعد يا رب من الذي يا الهى هو المقتدر من الذي يا الهى هو المجتبر من الذي يا الهى هو المقهر من الذي يا الهى هو المظتهر من الذي يا الهى هو المستخر اذ انك انت يا لا اله الا انت سبحانك اللهم يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من نار

البعء يا رب فيا الهى انت الذى قد اظهرت الثآء بالحرفين وانك انت الذى قد انطقته باللحنين
وانك

*** ص ٢٦ ***

انت الذى قد اغرته بالذكرين وانك انت الذى قد الحنته بالطرزين وانك انت الذى قد ابتليته
بالبلآء وانك انت الذى قد جعلته بالبهآء وانك انت الذى قد انطقته بالدعاء بانك انت رب
العزة و الثآء وانك انت ذو القدرة و الكبرياء وانك انت ذو السطوة و العلا وانك انت ذو
الهيمنة و السناء وانك انت لا اله الا انت سبحانك اللهم يا لا اله الا انت الغوث الغوث
خلصنا من النار النفى يا رب اللهم انى اسئلك باسمك يا عزيز يا معز يا فريد يا مفترد يا قدير يا
مقتدر يا حشيم يا محتشم يا عليم يا معتم ان تصلى على البيان و من آمن بما انت عليه من
اسمائك و امثالك ان تبارك لهم و لنا بكل ما انت عليه من اسمائك

*** ص ٢٧ ***

الحسنى الممتنعة و الامثال العليا المرتفعة و ان تنزل علينا كل خير بفضلك و احسانك و تدفع
عنا كل شر احاط به علمك و تحرسنا بكلائتك و تحفظنا بمنك و امتنانك و تنصرنا بنصرك
و انتصارك انك وسعت رحمتك كل شى و لا يعجزك من شى و يسئلك من فى السموات و
الارض و ما بينهما وانك انت على ما تشاء مقتدرأ .

هذا دعاء النور فى الاصباح لطب الوسعه الرزق

بسم الله البرّ العَطوفُ

اللهم يا بديع يا منيع يا رفيع يا سلطان يا رحمن يا حيّ يا قيوم يا ذالجلال و الاكرام يا
ذالجمال و الاعظام يا ذا النور و البهَاء يا ذا الطلعة و العلاء يا ذا العزة و الكبرياء يا ذا القدرة و
البقاء يا نور يا قدوس يا نور يا سبوح يا نور

*** ص ٢٨ ***

يا قيوم يا نور يا بدوح يا نور يا اول يا نور يا آخريا نور يا ظاهر يا نور يا باطن يا نور يا على يا نور
يا قادر يا نور يا مقتدر يا نور يا مصور يا نور يا مسهل يا نور يا مسبب يا نور يا ميسر يا نور يا مفرح
يا نور يا مفرج يا نور يا مكثريا نور يا مهوّر يا نور يا مطوّر يا نور يا مكوّر يا نور يا مهين يا نور يا مهوّن
يا نور يا ميين يا نور يا ملقن يا نور يا مكنون يا نور يا شديد يا نور يا وحيد يا نور يا واسع يا نور يا
شفيح يا نور يا سميع يا نور يا رفيع يا نور يا كائن يا نور يا كينون يا نور يا كيّان يا نور يا ديّان يا نور
يا لقّان يا نور يا سبحان يا نور يا قدسان يا نور يا عظامان يا نور يا معطى يا نور يا معلى يا نور مغنى
يا نور يا مكنزيا

*** ص ٢٩ ***

نور يا مسطح يا نور يا مجمل يا نور يا منعم يا نور يا مفضل يا نور يا فاضل يا نور يا ناعم يا نور يا
ناور يا نور يا ساطع يا نور يا لامع يا نور يا وارث يا نور يا مبعث يا نور يا غياث يا نور يا مغيث يا
نور يا مستغاث يا نور يا معين يا نور يا بصير يا نور يا باصر يا نور يا ناصر يا نور يا نصّار يا نور يا فاطر
يا نور يا ساتر يا نور يا غافر يا نور يا قاهر يا نور يا ساحر يا نور يا جابر يا نور يا مطلع يا نور يا مفتح
يا نور يا بدى يا نور يا بادي يا نور يا جميل يا نور يا جليل يا نور يا فضيل يا نور يا نبيل يا نور يا
صريخ يا نور يا غواص يا نور يا غواث يا نور يا غوث يا نور يا بداخ يا نور يا باذخ يا نور يا شامخ
يا نور يا سميع يا نور

*** ص ٣٠ ***

يا مقتدر يا نور يا مفتطر يا نور يا مهيمن يا نور يا خير الفاتحين يا نور يا خير الناصرين يا نور يا خير
الحاسبين يا نور يا خير الجامعين يا نور يا خير الرازقين اسئلك بنورك و بهائك و جمالک و
جلالک ان تفتح لنا ابواب فضلک و توسع في رزقنا من قبل و من بعد و في كل حين من خزائن
منک و احسانک انک وسعت رحمتک من في السموات و الارض و انک کنت على كل شئ
قدير .

هذا دعاء التحميد فاقروها فى ايام الجمعة لعلكم لتكون من الفائزين

هو الله العزيز

اللهم جل ثنائك و عزّ بهائك و عظمت قدرتك و كبرت عزتك و تقدست كينونيتك و
تعظمت ذاتيتك و تعاليت نفسانيتك و تجالت انيتك و انارت من فى السموات و الارض

*** ص ٣١ ***

بنور طلعتك و اضاءت من فى ملكوت الامر و الخلق بضوء وجهتك اللهم اياك يسجد من فى
ملكوت سمائك و ارضك و لديك يخضع من فى جبروت امرك و خلقك و اليك يخشع من
فى لاهوت عزك و مجدك اللهم ليت شعرى اتحرق فى النار من كان عابداً لذاتك و ساجداً
لنفسك و متملقاً لجنابك و خاضعاً لبهائك و خاشعاً لضياك و ليت شعرى يا الهى اتسلط
النار على كينونية كانت اياك ساجدة و على ذاتية كانت اياك خاضعة و على قلوب كانت اياك
عارفةً و على انفس كانت اياك عابدة و على وجوه خرّت لديك فانية و على عيون نظرت على
وجهتك و الهةً و ليت شعرى يا محبوى اتاخذ قلوب ذاقت

*** ص ٣٢ ***

من محبتك و كينونيةً عرفت نفسانيتك و عيون نظرت على طلعتك و على فواد اطلعت على
غيب عزتك اللهم جلت قدرتك و عزتك و قوتك اسئلك بلا اله الا انت يا لا اله الا انت
بنور لا اله الا انت بضياء لا اله الا انت ببهاء لا اله الا انت بعلاء لا اله الا انت ببقاء لا اله الا
انت بثناء لا اله الا انت ان تجعل النار لمن دعاك برداً و لمن ناجاك سلاماً اللهم انت تعلم ما
فى انفسنا فانا لانعلم ما فى نفسك و انت تعلم ما فى كينونياتنا و انا لانعلم ما فى كينونيتك
اللهم ان لم تعرفنا نفسك فما كنا عارفين و ان لم تعلمنا سبيل عبوديتك فما كنا عالمين اللهم
ان لم تامرنا بالسجود بين يديك فما كنا ساجدين

*** ص ٣٣ ***

اللهم انت علمتنا سبيل الخضوع بين يديك و طريق الخشوع لديك اللهم لك الحمد على كل ما قضيت اللهم لك الحمد على ما مضيت فو عزتك يا نور قلوب الصافين وضوء فواد العارفين ان لم يكن فضلک علينا لكننا نسياً منسياً و نفيماً منفيماً و ما كنا على الارض ظاهرين و ما كنا بشيئ حتى ندعوك بلسان حزين اللهم انت دللتنا اليك و لولا عرفانك انفسنا لم ندر كيف انت و لو لا تعريفك نفسك ايانا لم ندر ما انت اللهم انت تعرف نفسك على من تشاء من خلقك و على من تريد من عبادك اللهم انت الذى عرفت نفسك نفسك و ذاتك ذاتك و انت كنت مدلاً على ذاتك بذاتك و داعياً الى نفسك بنفسك حيث قد وصفت

*** ص ٣٤ ***

نفسك فى محكم كتابك بما انزلت من آياتك قلت و قولك الحق الله لا اله الا هو المهيمن القيوم فمن اصدق منك قياً اللهم انت الذى كنت قائماً بقوام نفسك و باقياً ببقاء ذاتك و ان سبل العارفين اليك مسدودة و ان طرق السالكين لديك مقطوعة مقطوعة و ان قلوب الصافين عن عرفانك محرومة محرومة و ان السن المسبحين عن ذكرك مكولة مكولة و ليت شعرى يا الهى اتريد ان تهلك احبائك من ايدى اعدائك تريد ان تجعلهم فى الارض نفيماً منفيماً من ايدى طُغاة خلقك اللهم ارحم بفضلك على اصدقائك اللهم اجود بجودك على ارتضائك اللهم انت تعلم ما يعملون هولاء عبادك

*** ص ٣٥ ***

و انت تشهد ما يفعلون هولاء خلقك اللهم اللهم اغلب اتقيائك على الارض و ما عليها بجودك و احسانك اللهم اجعل لهم سلطاناً نصيراً من ق مقام منك و التطافك اللهم انصرهم بعزك و سلطانك اللهم اخلصهم من ايدى اعدائك بمجدك و انعامك و ليت شعرى يا مليك ذاتيتى اتريد ان تهلك الخاضعين لديك من ايدى هولاء الاشقياء ام تريد ان تخذل الخاشعين اليك

من ايدى هولاء الفسقاء اللهم انت اولى بان تخذل من كان اياك عابداً و تنصر من كان عنك
معرضاً اللهم ان لم تنصر هولاء فمن ينصرهم دونك و ان لم تعزز هولاء فمن يعززهم سواك و
ان لم تجعلهم فى

*** ص ٣٦ ***

الارض قاهراً فمن يجعلهم غيرك اللهم لك الامر الحمد على كل ما خلقت و تخلق اللهم لك
الحمد على كل ما فتقت و تفتق اللهم لك الحمد على ما بدعت و تبديع اللهم لك الحمد على
كل ما ذرعت و تزرع اللهم لك الحمد على كل ما بدئت و تبديع اللهم لك الحمد على ما
نصرت و تنصر اللهم لك الحمد على ما خذلت و تخذل اللهم لك الحمد على عدد ما ذرات
و براءات و بدات و خلقت و رزقت و حشرت و نشرت و نصرت و خذلت و رفعت و نزلت اللهم
لك الحمد على عدد نجوم السماء اللهم لك الحمد على عدد اشجار العماء اللهم لك الحمد
على عدد ما يرشح المياه الى الارض من السماء اللهم لك الحمد على ما اضاء نورك فى طور
البهاء اللهم

*** ص ٣٧ ***

لك الحمد على ما الاح ضوءك فى عرش البقاء اللهم لك الحمد على عدد ما خلقت فى
ملكوت سمائك و ارضك اللهم لك الحمد على عدد ما ذررت فى جبروت امرك و خلقتك
اللهم لك الحمد حمداً باقياً بقاء كينونيتك و لك الحمد حمداً عالياً بعلاء ذاتيتك و لك
الحمد حمداً متعالياً بقوام نفسانيتك و لك الحمد حمداً يظهر من السماء فضلك و رحمتك
و من الارض عدلك و سطوتك و لك الحمد حمداً يجرى الآيات على من فى ملكوت الارض
و السموات من خزائن منك و عزتك لك الحمد حمداً انت تحبه و ترضاه و انت تستحقه و
لا دونك و انت تعلمه و لاسواك و انت تحصيه و لا غيرك اللهم انت خلقتنا و رزقتنا و امتنا و
احييتنا و بعثتنا و

*** ص ٣٨ ***

جعلتنا ناطقين بذكرك وناظرين الى وجهك ولولا فضلک ايّانا لکنا نسياً منسياً ولولا رحمتک علينا لکنا نفيماً منفيماً اللهم انا ندعوك بسؤال من اضطر في امره اليک واشتدت خذلته لديک وکثرت فاقته بين يديک ان تفضل علينا ولا تسلط علينا من لا یرحمنا ولا يعیننا وان تجعلنا في الارض غير خائفين وجلين كما جعلت کل امة غير ذلك يا رب العالمين انک وسعت رحمتک کل شیء ولا يعجزک من شیء تقدر ما تشاء وتفعل ما تريد اللهم صل علی البيان قمص طلعتک و نور وجهتک و مخزن عزتک و معدن عظمت و طمطم قمص قدرتک و قمقام قوتک علی ما انت علیه من علو الجلال و سمو الجمال انک لن يعجزک

*** ص ٣٩ ***

من شیء مما فی السموات و الارض و انک انت علی ما تشاء قديراً و اثن اللهم علی اهل البيان مکامن عزک و معادن علمک و مخازن مجدک و مقاعد فضلک و طماطم جودک و قماقم متک و عوالم امرک و جواهر حکمک و مشارق بدئک و معارف ختمک و لوامع سرک و طوابع نورک و قوامص ضوئک بکل ما انت علیه من اسمائك و امثالك انک انت رب السموات و الارض و ما بينهما و اله من فی ملکوت الامر و الخلق و مادونهما تفعل ما تشاء بامرک و لاتسئل عمّا تفعل و انک علی ما تشاء محیطاً فصل اللهم و سلم و بارک علی من تظهرنه نور ذاتيتک و بهاء کينونيتک و قمص وجهتک و انعکاس طلعتک بکل ما

*** ص ٤٠ ***

انت علیه من العزة و الجلال و القدرة و الفضال و القوة و الاستقلال و العظمة و الاستجلال انک رب السموات و الارض و ما بينهما و اله من فی ملکوت الامر و الخلق و مادونهما لا اله الا انت فانک علی ما تشاء مقتدراً .

هذا دعاء صنمى هذه امه والمعرضين قاطبه

بسم الله العزيز الحكيم

اللهم العن صنمى هذه الامة وَجَبْتِيهَا و طَاغُوتِيهَا و عَجَلِيهَا و جَسَدِيهَا ثم الذينهم خَلَفُوا امرك و انكروا حكمك و ادوا ذكرك و حجدوا حقك و قتلوا صفوتك و عصوا حججك و خرّبوا دينك و حرّفوا كتبك و ابطلوا ما انهيت من نهيك و ما امرت من امرك و عادوا ارتضائك و خانوا اصطفائك و عاصوا اخلائك و خرّبوا بلادك و افسدوا فى حق عبادك و تولّوا عنك وَحَدَكْ

*** ص ٤١ ***

لا اله الا انت اللهم العنهم و اتباعهم و اشياعهم و مواليهم و انصارهم و اعوانهم بكل ما انت عليه من شئوننا اخاذيتك و نكالتك و شداديتك و بدّاختك و شماختك و قهاريتك و جباريتك و سخاريتك ثم العنهم يا الهى بعدد كل حق غصبوه و امر انكروه و حجج حجدوه و ولي قتلوه و مليك صلبوه و عزيز خذلوه و امين طردوه و مكين قهروه و دمآء سفكوه و كفر ظهروه و حق بطنوه ثم العنهم يا الهى بعدد ما خلقت فى ملكوت سمائك و ارضك و بعدد ما بدئت فى لاهوت امرك و خلقتك و بعدد ما انشأت من آيات مجدك و عزك و لكل ما انت عليه من شئوناتك و بداياتك و غاياتك و نهاياتك و علاماتك و بكل ما

*** ص ٤٢ ***

انت كنت و تكون و بكل ما انت كائن و كينون و بكل ما انت فى شان الازل و علو القدم و بكل ما انت تعلم و تحيط حيث لا يعلم سواك و لا يشهد غيرك و لا يرى دونك لا اله الا انت و اليك المصير اللهم العنهم فى الاسرار و الاجهار ثم فى الليالى و النهار ثم بالعشى و الابكار و بكل ما انت تحب و ترضى و فوق فوق ما تحب و ترضى انك انت اله السموات و الارض و ما بينهما و رب من فى ملكوت الامر و الخلق و ما دونهما لا اله الا انت و انك انت العزيز الحكيم اللهم

العن بنى اسد قاطبة ثم العن مواليهم ومحبيهم وناصرهم وعامليهم ثم العن اللهم بنى معصوم قاطبة ثم العنهم بكل ما انت عليه من شئونات فطارتك وعلامات بذاختك

*** ص ٤٣ ***

وبدايات نكالتك وغايات اخذيتك انك انت رب السموات والارض وما بينهما واله من فى ملكوت الامر والخلق ومادونهما لا اله الا انت وانك انت العلى الحميد اللهم العن بنى امية قاطبة من قبل ومن بعد ثم الذينهم عملوا بمثل هولاء الكفرة وفعولوا بمثل هولاء الفجرة انك لن يفوتك شئ ولا يعجزك من شئ لا اله الا انت وانك انت رب العالمين اللهم ان القلوب قد ضاقت مما شهدت من البلوى وان العيون قد تزرفت مما رات من البلاء وان الآذان قد بكت مما سمعت من الشكوى اللهم انت اولى بان تخذل من كان لك ساجداً واياك عابداً ولك خاضعاً خاشعاً متواضعاً اللهم فالحقك قد ظهرت الفتنة فى شرق الارض

*** ص ٤٤ ***

وغربها مما اكتسبت ايدى الناس بامر سلطان الناس فقد احاطت البلاء على الكل فلن يجدوا هولاء غيرك نصاراً ولا سواك فتاحاً وانك يا الهى لتعلم ما فعلوا هولاء على اصطفائك و لتشهد ما عملوا على ارتضائك اللهم صل على شجرة الاثبات من اصلها وفرعها واولها وآخرها بكل ما انت عليه من علو الجلال و سمو الجمال ثم سلم عليهم يا الهى وزد وبارك بكل ما انت عليه من اسمائك وامثالك ثم انصرهم يا الهى بنصرك وانتصارك انك لن يفوتك من شئ ولا يعجزك من شئ لا اله الا انت فانك على ما تشاء قدير اللهم العن شجرة النفى من اولها وآخرها و ظاهرها و باطنها انك تقدر ما تشاء لا اله الا انت وانك على كل شى رقيباً.

*** ص ٤٥ ***

دعای تحمید ۲

هُوَ الْبَرُّ الرَّؤْفُ

يا الهی کیف اُثنی قمص طلعتک بعد لا یصعد الیک ایدی کل الذاکرین و کیف یا منای
اصف نور وجهتک بعد لا یرفع لدیك ایدی کل الواصفین اللهم انک انت سلطان السموات و
الارض و ما بینهما حیث لا یعجزک من شیء و انک انت ملک ان من فی ملکوت الامر و الخلق و
مادونهما حیث لا یفوتک من شیء اللهم لک الحمد عدد ما خلقت من ملکوت امرک و خلقتک
ولک الحمد عدد ما ذرات من لاهوت غیرک و مجدک و لک الحمد عدد ما بدات من جبروت
سمائك و ارضک اللهم عجزت العقول عن ادراک کنهک و زجرت انفس عن اوصاف جودک
اللهم انک قد خلقت کل شیء بامرک و انک قد صورت کل شیء بحکمک

*** ص ٤٦ ***

اللهم انک وسعت رحمتک فی السموات و الارض و ما بینهما فلک الاسماء الحسنی کلهن و
الامثال العلیا و باسرهن حیث لا یفوتک فوت فائت و لاعمل قانت تقضی و تشاء و تفعل و ترید
لا اله الا انت و الیک المصیر اللهم جلت قدرتک و عظمت سلطنتک و لاحت من فی السموات
و الارض بنور طلعتک و ضاءت فی ملکوت الامر و الخلق بضوء وجهتک فما اعظم منک قدرة
یا الهی ما اجل عنک سطوه یا منای حیث یخاف عنک فی جبروت ارضک و سمائك قبل ان
تظلم قدر خردلٍ و تشفق منک من فی ملکوت عزک و علائک قبل ان تاخذ احد قدر ذرةٍ اللهم
انک کنت الهاً حین لم تکن سماء و لا ارض و لا عرش و لا حول و لا قوة الا بک

*** ص ٤٧ ***

قد خلقت الخلق فما عرفک من شیء و ذرات الناس و ما جهلک من شیء تعطی من یسئلك و
تعطی من لم یسئلك **تحننا** منک و رحمةً لا اله الا انت و الیک المصیر اللهم ان لم تعرف
نفسک علی خلقک فمن یعرفک و ان لم تامرهم بالعبادة ایاک فمن یعبدک اللهم انک وسعت

رحمتك كل شى وسبقت هدايتك كل شى حيث ابوابك مفتوحة مفتوحة و اسمائك مرفوعة مرفوعة و امثالك محمودة و انك توتى الامر من تشاء و تنزع الامر عن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بيدك مفاتيح كل خير لا اله الا انت وحدك لا شريك لك فى ملكك ولا وزير لك فى امرك قد خلقت الكل لعرفانهم اياك و ذرات الكل لا يقانهم بين يديك على

*** ص ٤٨ ***

انك انت الله لا اله الا انت و لم تزل كنت يا الهى و لم تكن من قبلك من شى و لا تنزال تكون و لم تكن من بعدك من شى كل وصفك حيث ما عرفوك قدر شى و كل نعتوك حيث ما ذكرك قدر شى تعالت اسماوك فى ملكوت عزك و مجدك و تجالت امثالك فى جبروت امرك و خلقت سبحانك و تعاليت يا ذا العزة والكبرياء و سبحانك و تجاليت يا ذا العظمة و البهاء اللهم ليت شعرى اتحرق فى النار قلوب ذاقت من محبتك و عيون نظرت الى طلعتك اللهم ليت شعرى اتاخذ من كان اياك عابداً و لك ساجداً و لديك خاشعاً خاضعاً متواضعاً اللهم انت تعلم ما فى السموات و الارض و لم يعلم غيرك و انت تشهد من فى

*** ص ٤٩ ***

جبروت الامر و الخلق و لا يشهد دونك و انت تعلم ما فى نفسى فاننى انا ما اعلم فى نفسك لا اله الا انت و انك انت رب العالمين اللهم فبعزتك قد ضافت القلوب و بلغت الحلقوم لدى الحناجر و ضاقت الارض على الكل بوسعتها لا اله الا انت و انك انت العزيز الحكيم اللهم ازفة الاذفة و قامت الطامة و جاءت الصاخة فقد فطر السماء بامرک و انشق الارض بحكمك و تنار الجنة بفضلك و **تنعر** الجحيم بعدلك و تلاح النور لمن فى ملكوت الامر و الظهور بمنك لا اله الا انت و كنت يا الهى رب و لامربوب و اله و لا مالوه تعريفك نفسك جوداً و امتناناً و كرمأ و احساناً لا اله الا انت و انك على ما تشاء قدير اللهم

*** ص ٥٠ ***

انت اولی بان تخذل من كان ایاک معترفاً موقناً علی انک انت الله لا اله الا انت خالصاً مخلصاً
لا شریک لك ولا شبه ولا کفو ولا عدل سبحانک ان لا اله الا انت و انک انت الله الملك
القدوس المنیر اللهم فبعزتک لم تکن لنا رجاء الا انت ولا دعاء الا انت قد خلقتنا ورزقتنا و
جعلتنا من سکان اهل رضوانک و علماء اهل ايقانک کل ذلك من فضلک و رحمتک حيث
قد سبقت رحمتک من فی السموات و الارض و ما دونهما و وسعت عنايتک من فی ملکوت
الامر و الخلق و ما غیرهما لا اله الا انت و انک انت القوى العزیز اللهم ان لم تکن فضلک ایای
لکنت من المغلوبین و ان تکن جودک ایای لکنت من المقهورین فوعزتک یا رب ما ارى

*** ص ٥١ ***

من نور الا نورک و لا من ظهور الا ظهورک و لا من مقتدر الا ایاک و لا من مهیمن الا انت لا
اله الا انت وحدک لا شریک لك و لقد کنت یا الهی مقتدر علی کل شی و مهیمن علی کل شی
و لا یعجزک من شی سبحانک و تعالیت سبحانک و تجالیت سبحانک ان لا اله الا انت و
انک العزیز العلیم اللهم انت تعلم ما نزل علی کل من البلاء و لتشهد ما یمسهم فی الضراء و
لترى ما یصیبهم من السراء اللهم انت اولی بان تخذل احبتک و انت اعلى بان تقهر علی
صفوتک اللهم فبعزتک لم یکن لنا من رجاء الا انت و لا من دعاء الا انت حيث انت المحبوب
و لا سواک من محبوب و انت المرغوب و لا دونک من مرغوب و انت المرهوب و لا عدلک
من مرهوب

*** ص ٥٢ ***

و لا شبهک من موصوف و لا کفوک من معروف سبحانک ان لا اله الا انت و الیک المصیر و
انک انت سلطان السموات و الارض و ما بینهما و انک انت القوى العزیز و انک انت تقضى
بین کل شی بالحق و انک انت خیر الحاکمین یسجدک من فی السموات و الارض و لك
الاسماء الحسنی لا اله الا انت رب العالمین و ان لك الامر و الخلق انک انت العزیز الکریم

تنصر من تشاء بجنـدك و انك انت الملك القدير لا يتعاظـمك من شئ مما في السموات و
الارض و انك كنت على كل شئ محيط.

دعاء الشهادة تذكروه للمتقين ليلته الجمعة

في ليلة الجمعة

ولاشهدنك اللهم يا ذا الجلال والكبرياء ويا ذا الجمال والعلاء في ذلك الليل الدهمَاء

*** ص ٥٣ ***

الصَّمَاءُ التي ظَلَمْتَ الكل من تلك الظلمات الغبراء الطخياء على انك انت الله لا اله الا انت وانك انت رب العزة والبقاء رب العظمة والكبرياء تعاليت يا لا اله الا انت وانك انت رب العالمين اللهم لا ارى من نور غيرك ولا بهاء سواك ولم اقدر ان اصفك قدر شئ او اذكرك قدر شئ او ان اسبحك قدر شئ او ان احمذك قدر شئ فتعالت طلعة عزتك من ان يعرفها من شئ وتجالت وجهه رحمتك من ان يصفها من شئ انت الذي كنت وتكون وانت الذي كيانٌ و كينون لم تنزل يا الهى كنت قبل كل شئ ولا تزال تكون بعد كل شئ ولم يكن من بعدك من شئ سبحانك وتعاليت يا ذا العزة والكبرياء وسبحانك وتجاليت يا ذا الطلعة و

*** ص ٥٤ ***

العلاء انت الذى لن يفوتك من شئ ولم تعجز من شئ تقدرت عن كل ما يسبحك المُسَبِّحُونَ وتعظمت عن كل من يذكرك الذاكرون فسبحانك يا الهى لم ارى لى وجوداً بين يدي طلعتك ولم اشاهد لى عزاً تلقاء مدين عزتك اللهم عظمت قدرتك وجلت مشيتك سبحانك يا لا اله الا انت ان لم تعرف نفسك على خلقك فمن اين عارفون وان لم تنجى عبادك فالى اين يذهبون اللهم لك الحمد عدد ما خلقت فى ملكوت سماءك وارضك وخلقك وعدد ما انشأت فى لاهوت مجدك وعزك اللهم انك تنصر من تشاء وتخذل من تشاء بيدك ملكوت كل شئ لا اله الا انت فانك كنت على ما تشاء

*** ص ٥٥ ***

قديراً اللهم وسعت رحمتك من في السموات والارض و ما بينهما توتى الامر من تشاء و تنزع الامر عن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء و بيدك ملكوت كل شى لا اله الا انت و انك انت على ما تشاء مقتداراً اللهم انك سبقت هدايتك كل شى و وسعت عنايتك كل شى حيث قد خلقت الخلق بقدرتك و صورتهم بمشيتك و اخذت من كل ما خلقت جوهر مجرد و كافور ساذج و جعلته مشرق اوليتك فى قيوميّتك و مغرب آخريّتك فى قدوسيّتك و مطلع ظاهريّتك فى سبوحيتك و منبع باطنيّتك فى بدوحيّتك اللهم انت قد اظهرته بامرک و انك قد اعلنته بحكمك و انك قد وعدته ان تنصرنه يوم القيمة و لترفعنه يوم البعائه

*** ص ٥٦ ***

و انك انت يا الهى الزمت على الكل ان يتبعون امره و يعلمون حكمه و يسرعون نحوه طلباً لما خلقت من رضائك و عزك و بهائك و انك يا الهى صاحب القدرة العظيمة و الهيمنة القديمة حيث لا يعجزك من شى و لا يفوتك من شى تقدست عن كل ذكر و بهاء و تعظمت عن كل نعت و ثناء حيث كنت قبل ان تخلق ارض و سماء او عرش و بهاء يا رب العزة و الكبرياء و يا ربّ القدرة و البهاء انت الذى لن يصفك من شى على حق و صافيّتك لم ينعتك من شى على حقٍ نعاتيّتك اعطيت من سئلك بفضلک و احسانك و اعطيت من لا يسئلك بكرمک و امتنانك تعرفك نفسك جوداً و امتناناً و كراماً و التظافاً حيث لا يحيط به دونك و لا يحصى غيرك لا اله الا *** ص ٥٧ ***

انت انك قد وسعت كل شى علماً و احطت على كل شى باحاطة قيوميّتك و بقدرة قدوسيّتك حيث لم يكن من اولٍ الا انت و لا آخرٍ الا انت و لا ظاهرٍ الا انت و لا باطنٍ الا انت و لا مقتدرٍ غيرك و لا محيط سواك و لا عليمٍ دونك و انت خلقتنى يا الهى و جعلتنى ناطقاً بامرک و مدلاً على وحدانيّتك و مقراً بربوبيّتك و معترفاً بالوهيّتك و مدعناً على انك انت الله لا اله الا انت و انك انت ربّ العالمين اللهم فبعزتك قد ضاقت قلبى مما شهدت من البلاء و انكدر عيشى

مما رايت من القضاء بالامضاء على البداء و ما اجد غيرك مُفْتَحاً يا رب اهل البقاء و يا رب
العزة و الثناء اللهم فبعزتك فانصر الذي كان ساجداً و اياك قائماً و على طلعتك

*** ص ٥٨ ***

ناظراً و لامرك طائعاً و لحكمك متبعاً اللهم انت وعدت ان تنصر من كان ذورجاء اللهم فبعزتك
قد شهدت ما لا يشهد غيري و رايت ما لا يرى سواي اللهم فبعزتك عرفت و ايقنت و اشهدت و
اذعنت على انك انت الله لا اله الا انت وحدك شريك لك لم تزل تجليت على الكل بآيات
ابداك و علمتهم ما تريد من امرك اللهم انك كنت مُدلاً بِكَ وحدك لا اله الا انت قائماً
عبادك كانوا خلق عندك فكيف كانوا على وحدانيتك و ربانيتك اللهم انك قد خلقت الخلق
لا من شئ بقدرتك و ذراتهم لا عن شئ بمشيتك حيث قد خلقتنا لا من شئ بامرک کن فصورت
بقدرتك و حرکت بهيمنتك حيث قد خلقتنا

*** ص ٥٩ ***

من ماءٍ و ترابٍ و نارٍ و هواءٍ و انزلت ماءً وجودنا من سماءٍ تقديرك الى ارض تدبيرك و لما قضت
ما حتمت قد اخرجتنا بامرک و جعلتنا كبراء و قدرت لنا امرا و قضيت لنا وعدا فسبحانك اللهم
لاشكرک على ذلك الموهبه العظمى و العطيه الكبرى و لاسئلك اللهم ان تحفظنى فى بين
طينين كما حفظتنى من قبل و اخرجتنى مكيثا اللهم فبعزتك لم ارى من معبود سواك و لا من
مسجود غيرك اللهم انت ترفع من تشاء و تصعد من تشاء بيدك ما خلقت من ملكوت امرک و
خلقك و فى قبضتك ما انشأت من جبروت ارضك و سمائك فلک الحمد يا لا اله الا انت
على عدد خلقك و عبادك و على عدد امرک و قضائك

*** ص ٦٠ ***

حيث كنت و لم تكن غيرك من محمود و تكون و لم تكن سواك من مقصود قد تعرفت نفسك
على خلقك فاعرفك من شئ و وصفت كينونيتك بين عبادك فما جهلك من شئ اللهم انت

المعروف بكنيونيتك وانت الموصوف بوحدانيتك سبحانك ان لا اله الا انت واليك المصير
اللهم فبقدرتك نور قلوبنا و فوادنا على التوجه اليك و النظر بك و التوسل لديك و اعتصام
بجبلك و الاتكال عليك وحدك لا اله الا انت اللهم انت خلقتني و كنت غنياً من خلقى ولو
لا انت لم ادر ما انت فما عظمت منك موهبة و كبرت عنك عطية سبحانك سبحانك ما
عرفتك حق تعريفك و ما وصفتك حق توصيفك ولكن فو عزتك كل ما ذكرت

*** ص ٦١ ***

من اول يوم الذى انقطتني بامرک کان مرادى فيها انت لا غيرک من مقصود و لاسواک من
محمود و لا دونک من محبوب و لا کفوک من مرهوب و لا عدلک من مرغوب و لا شبهک من
مطلوب قد خلقتني بامرک و رزقتني بچودک و جعلتني مُدلاً لامرک و متبعاً لحکمک و مومناً
موقناً على وحدانيتک و مدعناً معترفاً على صمدانيتک حيث لم يكن الهاً غيرک و لا معبود
سواک سبحانک يا لا اله الا انت و اليک المصير اللهم فبعزتك منك اسئلك و لا سواک و
بک استجير و لا دونک حاشاک انت تخينى من ايدى طغاة عبادک و جعلتني محروساً
بحراستک و محفوظاً بحفاظتک ان لم يكن فضلک على لکنت من المغلوبين و ان لم يكن

*** ص ٦٢ ***

چودک على لکنت من المقهورين فلک الحمد على حق حمدک و لک الشکر على حق
شکرک و لک المن على حق منك و لک الفضل على حق فضلک فسبحانک سبحانک انت
تعلم ما انکرونى هولاء عبادک و انت تشهد ما اذونى هولاء خلقتک اللهم لم ينال اليک ايدى
کل الذاکرين و لم يصل لديک ايدى کل الواصفين بعد ما وجدت مثلك معروفاً و لاشبهک
موصوفاً لا اله الا انت فسبحانک يا لا اله الا انت کنت عالماً و لا معلوم و قادراً و لا مقدور
سبحانک سبحانک ما اجل احسانک و ما اعز اكرامک و ما احلى آياتک و ما اجلى علاماتک
و ما اعلى ارتفاعک سبحانک يا لا اله الا انت و اليک المصير اللهم لم يكن سواک من قدير

*** ص ٦٣ ***

ولا دونك من مُحيطِ اسئلك بنورك يا لا اله الا انت ان تجعلنى فى كل شأنٍ ناطقاً بامرک و
 مثبتاً لذكرک و متکلاً عليك و منقطعاً اليک و متوسلاً بک و حدک لا اله الا انت اللهم كيف
 اشکوا اليک مما شهدت و رايت و مما قضيت و مضيت حيث کلت اللسن عن توصيفها و
 کاعت المشاعر عن تعريفها فما شبهک من معروف و لا کفوک من موصوف و لا عدلک من
 منعوت و لا سئلك يا لا اله الا انت ان تجعل النار لنا برداً و سلاماً و تجعلنا راضين بما قضيت و
 تقضى و تقدر و تشاء لا اله الا انت سبحانک اللهم يا لا اله الا انت و اليک المصير و لك
 الحمد و حدک لا اله الا انت ربُّ العالمين و سلام الله على المصطفين ألا

*** ص ٦٤ ***

لعنت الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون.

تمت الصحيفة فى يوم الكمال من يوم المسائل من شهر الاسماء من سنة البهى كتبه العبد
 ؟؟ ابوالقاسم (اين مناجات با نسخه پرينستون ٢١٢ هم مقابله شد)

(صحيفه ابهجيّه شامل هشت مناجات فوق بود)

دعای الواجب فی کل لیلۃ الجمعة

بسم الله الاقهر الاقهر

سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات الف لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک الکبری بالوهیتک
التي انما هی ممتنعة فوق کل شی انک کنت علی کل شی قدیرا سبحانک اللهم فاهلکن کل
ذات بآء لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک الکبری بهائک

*** ص ٦٥ ***

الذی انه هو ممتنع فوق کل شی انک کنت علی کل شی قدیرا سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات
جیم لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک الکبری بجبروتک التي انها هی ممتنعة فوق کل شی
انک کنت علی کل شی قدیرا سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات دال لم یومن بمن تظهرنه ذات
حجتک الکبری بديموميتک التي انها هی ممتنعة فوق کل شی انک کنت علی کل شی قدیرا
سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات هآء لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک الکبری بهدايتک التي
انها هی ممتنعة فوق کل شی انک کنت علی کل شی قدیرا سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات واو
لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک الکبری بولايتک التي انها هی ممتنعة فوق کل شی انک

*** ص ٦٦ ***

کنت علی کل شی قدیرا سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات زآء لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک
الکبری بزکائيتک التي انها هی ممتنعة فوق کل شی انک کنت علی کل شی قدیرا سبحانک
اللهم فاهلکن کل ذات حآء لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک الکبری بحيوتک التي انها هی
ممتنعة فوق کل شی انک کنت علی کل شی قدیرا سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات طآء لم
یومن بمن تظهرنه ذات حجتک الکبری بطاهريتک التي انها هی ممتنعة فوق کل شی انک کنت
علی کل شی قدیرا سبحانک اللهم فاهلکن کل ذات یآء لم یومن بمن تظهرنه ذات حجتک

الكبرى بيمينك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل قديرا سبحانك اللهم
*** ص ٦٧ ***

فاهلكن كل ذات كاف لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بकिनونيتك التى انها هى
ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات لام لم يومن
بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بلطفك الذى انه هو ممتنع فوق كل ذات لطف انك كنت
على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات ميم لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك
الكبرى بملك الذى انه هو ممتنع فوق كل ذا ملك انك كنت على كل شى قديرا سبحانك
اللهم فاهلكن كل ذات نون لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بنورك الذى انه هو
ممتنع فوق كل ذا نور انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات سين لم
يومن

*** ص ٦٨ ***

لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بسبوحيتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك
كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات عين لم يومن بمن تظهرنه ذات
حجتك الكبرى بعلوك الذى انه هو ممتنع فوق كل علوانك كنت على كل شى قديرا سبحانك
اللهم فاهلكن كل ذات فاء لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بفردانيتك التى انها هى
ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات صاد لم
يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بصمدانيتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك
كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات قاف لم يومن بمن تظهرنه ذات
حجتك

*** ص ٦٩ ***

الكبرى بقهاريتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات رآء لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى برحمتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات شين لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بشاهديتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات تآء لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بتوابيتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات ثآء لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بثابيتك

*** ص ٧٠ ***

التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات خآء لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بخلقاقيتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات ذال لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بذاتيكت التى انها هى ممتنعة فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات ضاد لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بضياك الذى انه هو مستضى فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات ظآء لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بظاهريتك التى انها هى ممتنعة فوق

*** ص ٧١ ***

كل شى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم فاهلكن كل ذات غين لم يومن بمن تظهرنه ذات حجتك الكبرى بغنائك الذى هو مستغن فوق كل شى انك كنت على كل شى قديرا فلاشهدنك على انه لا اله الا انت وان ذات حروف السبع عبدك قد اقامت به ما اردت فى البيان سبحانك ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الذاكرين

*** ص ٧٢ ***

ادعيه ايام هفته

يوم السبت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى خلق السموات والارض بامرہ ثم الذين آمنوا بالله وآياته الى الله يحشرون اللهم انك انت الله الفرد الصمد الاحد الذى لن يعرفك احد فى السموات ولا فى الارض اذ ذاتيتك مقطعة الجوهريات عن الصفات وانيتك ممتنعة الكينونيات عن البيان وفسانيتك شاهدة بالقطع الدليل عن العرفان فسبحانك يا الهى دلت مجردات الملك بالافتقار والارض وشهدت كينونيات الخلق بالسؤال والياس وانك يا الهى لما خلقت الخلق لمعرفتك واقمتهم فى مشاهدة الامر والخلق

*** ص ٧٣ ***

لمنهاج محبتك قد تجليت لهم بايات وحدانيتك وعلامات صمدانيتك ودلالات جبروتيتك ومقامات رحمانيتك ليتلجلج الكل بتلجلج آيات اللاهوت من فضلك ويتلألأ الكل بتلألأ علامات الجبروت بامرک ولا يحجب عن حضرة طلعتك احد ولا ينسى ذكر كينونيتك شئ اذ الثناء الشامخ والبهاء الرافع نعت لمن اخلص نفسه لطاعتك ووصف من اختار رضائك على رضائه فاسئلك اللهم بمواقع عظمتك وعلامات عزتك ومقامات رحمانيتك ان تصلى على محمد وآل محمد بما انت عليه من التجليات البديعه والنفحات الجليه والكرامات اللطيفة والشئون الخفيه حيث لا يحيط بها علم احد سواك وان تجعلنا فى ذلك اليوم السبت الذى خلقتة لحبيبك

*** ص ٧٤ ***

وانتجبه بين الايام لنبيك محمد صلى الله عليه وآله وسلم من الذين يرجون فضلك ويخشون
من عدلك ويصبرون على بلائك ويجاهدون في سبيلك ابتغاء لمرضاتك واجعلنا من عبادك
المصطفين الذين لم يانسوا الا بقربك ولا يتلذذوا الا بذكرك ولا يتنعموا الا بمناجاتك اولئك
الذين خلعوا عن قلوبهم طاعة غيرك واستعرجوا بافئدتهم الى مقام مناجاتك وروح الابهج من
رضوانك اللهم لا راد لفضلك ولا معقب لحكمك ولا باسط لقبضتك ولا قابض لبسطك
ولا شئ الا بمشيئتك ولا فضل بعد تقديرك وانّ اليوم حبيك الذي جعلته منفردا من ابناء
الجنس في عزة وقائما مقام رحمتك في الانشاء واننى اناضيّف له فى يومه فاجعل اللهم
اوله نور

*** ص ٧٥ ***

تجليك و ساعاته نفحات تقديسك و دقائقه آيات تحميدك و آخره رضائك و غفرانك و
لقائك و افتح اللهم لنا ابواب كل شئ بمنك و رحمتك انك انت الله ربّ العرش العظيم و
سبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين.

يوم الاحد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى ابدع ما فى السموات والارض لحكمه لئلا يظنّ فى حكمه احد وكل بامره يعملون يا الهى انت الله الذى لم تنزل كنت بلا وجود شئ وانك لاتزال كائن بلا ذكر شئ لم تنزل لن يعرفك احد ولا يوصفك عبد اذ ذاتية الانشاء **معلنه** بالسّد الوصل وانّ انيته الاختراع شاهدة بالمنعية بالفصل ان قلت

*** ص ٧٦ ***

انك انت فقد حكمت المثل بالمثل وانك لم تنزل لن تعرف بالامثال وان قلت انه هو هو دلت الاحدية ذاتية مشيتك والربوبية المتجلية انية ارادتك وانك لاتزال لن توصف بها و لاتنعت بمجدها اذ كينونية المجردات وذاتية الماديات دائية المتلجلجات ونفسانية المتلايلات دالة بالقطعية الكبرى التى لاوصل لها الا بفصلها ولانعت لها الا بنسبتها وانك يا الهى تعلم ما فى السموات وما فى الارض وما ينزل فى كل شان من خزائن امرك وما يبدع فى كل حين باذنك فاسئلك اللهم ان تصلى على محمد وآل محمد رسولك فى ملكوت السموات و الارض و المطاع بامرک فى غياهب كينونات الخلق

*** ص ٧٧ ***

والامر بما انت عليه من تجلياتك ونفحاتك ودلالات وحدانيتك ومقامات رحمانيتك بما انت عليه من الشان واللاهوت والوحدة والجبروت انك انت الغنى المحمود واسئلك اللهم بحقه ان تسلّم على القائم بامره فى مقامه فى الاداء فى عوالم الانشاء و المطاع فى افلاك الصفات والاسماء الذى قد تفرد فى مقام طاعة عن ابناء الجنس و تعالى فى مقام رضائه عن ابناء المثل والشبه نور طلعتك فى جبل فاران و ظهور هيبتك على قبة الزمان و تجلى ظهورك

فى الآيات البىان كلمة العدل فى القضاء وسرّ البءاء فى الامضاء وقمص الجلال بالبهاء وكلمة
السبناء واءرف ءوءىءك فى الءناء الءى لم ءرعىن بمءله فى الابداع بقءءرك

*** ص ٧٨ ***

الءى جعلء فى نفسه بامرء يا ذاالجلال والاكرام يا الهى انّ الءوم ءومه فانزل علنا فىه ما انء
علبه وانه هو بسءءق فى ءلقاء رءمانىءك ومءىن عزّ صمءانىءك من ءجلىاءك فى ملاء الاعلى
ونفءاءك فى افق الكبريا ومفاءىء ءزائءك فى الآءرة والاولى انك انء الله الكبر المءعال
وسبءان الله ربّ العرش عمّا ءصفون وسلام على المرسلين والءمءلله ربّ العالمين.

يوم الاثنين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى فتح ما بين السموات والارض بامرہ وجعل الكرسي والعرش على الماء
قبل خلق السموات والارض سبحانه وتعالى عما يصفون يا الهى كيف اثنى نفسك

*** ص ٧٩ ***

بين يديك بعد علمى بحدوث نفسى وكيف لا اثنى عليك وان فوادى لا يفرغ الا بذكرك و
ثنائك فانا ذا فى يومى هذا اشهد انك انت الله الفرد الاحد القائم الوتر الدائم الحى الذى لم
ياخذك وصف من شئ ولا نعت عن شئ ولا يعرفك شئ بشئ اذ حكم العرفان بين الاثنين
ممنوعة وكلمة الاقتران بعد الافتراق مقطوعة انك يا الهى لتعلم انى ما اردت فى شأن الا لعرفان
ظهور تجليك فى ملكوت السموات والارضين ولا اختط بسرى عرفان كينونيتك وثناء ذاتيتك
لان ذلك ممنوع فى حقى ولا يمكن فبعزتك ليكون قرّة عينى ولكن قد احاط علمك بكل شئ
يا الهى ان وجود ذاتيتك مقطعة الجوهريات عن الاستدلال وان علمى بكينونيتك ممنوعة
الماديات عن العرفان وانى

*** ص ٨٠ ***

بعزتك لأعلم لاحظ لأحد فى عرفان انيتك ولا نصيب لشئ فى محبة انيتك اذ وجود الكل
لا يزال لا من شئ فى علمك فكيف العرفان لمن لا وجود له فى رتبتك وان اعظم الذنب يا
الهى واكبر الخطايا يا مولائى هي ذكرى نفسك بعد يقينى بان لا نصيب لى فى حبك وان
بعزتك اشهد لديك بانك لو تعذبني جزاء ذكرى نفسك بدوام عزازليتك بما انت تقدر عليه
من الاخذ والنقماتك ومن القهر والسطوات لكنت محمودا فى فعلك ومطاعا فى حكمك
وانا لكنت مستحقا بذلك فكيف اضح يا الهى بين يديك وكيف لا اصعق فى تلقاء مدين

قهاریتک واتى اقل من ذرّ خلقتنى بامرک وربّیتنى بفضلک ورزقتنى بمنک وایدتنى بکرامتک
والهمتنى ذکرک

*** ص ۸۱ ***

بعنايتک ولولا انت لم اک انا ولا شىء سوى فاسئلك اللهم بحقک ان تسلّم على الشمسين
الطالعين و القمرين اللائحين و الامامين الشّاهدين و الشّهيدين الصّابرين ابى محمد الحسن و
ابى عبد الله الحسين بما انت عليه و انهما يستحقّان فى لقاء وجهک و اسئلك بجودک ان
تعذب الذين جاهدوهم بعد ما عرفوا حقّهما و حاربوا معهما بعد ما سمعوا جلالتهما بكل نقماتک
و سطواتک انک انت المقتدر العزيز و اشهد انّ اليوم يومهما و اننى انا ضيف لهما فى ذلك
اليوم فاكتب لى لقاءهما فى الرجعة و الدار الآخرة و عرفنى جلالتهما و ارزقنى بفضلهما و اغفر لى
بشانهما انک انت العزيز المّان و سبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون و سلام على المرسلين و
الحمد لله ربّ العالمين.

*** ص ۸۲ ***

يوم الثلاثاء

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى خلق الشمس والقمر والنجوم مسخرات بامرہ الا له الخلق والامر وكل الى الله يحشرون الهى ان سبل المجردات اليك صاعدة وان اعمال الممكنات اليك رافعة وانت الله الحى المقتدر الذى لا يتعاضمك شئ فى السموات ولا فى الارض ولقد خضعت لعظمتك كل من فى ملكوت الامر والخلق وانقادت لسطوتك من فى على العرش الى من كان فى تحت الارض فسبحانك علت ذاتيتك بشأن سقطت الموجودات دونه وجلت انيتك بشأن انقادت الممكنات لامره انت الذى جعلت العلم فى خشيتك والعبادة فى محبتك واليقين فى رضاك والطاعة فى ذكرك فاقسمك اللهم بعزة ذاتك وعظمت صفاتك واسمائك ان تصعدنى الى جوار قربك وتمحو عن حول

*** ص ٨٣ ***

فوادى كل ذكر سوى ذكر ربوبيتك وبلغنى الى مقام العظمة وسر الصمدانيه والنور الابهج الازليه لاستقر فى تلقاء مدين عزتك وانسى كل معروف دون فضلک ورحمتك وتنادينى يا الهى فى كل شان بالهام سرک و نفحة قدسک لان اعمل لك كلى بما انت تحب وترضى وانجذبنى يا الهى الى ساحة عزتك واسكننى فى الفردوس فى جوار المقربين من اصفياك فانك غنى عن كل ما فى السموات والارض بقدرتك واننى انا فقير يا الهى برحمتك فاشهدك ومن لديك من الاشهاد بان اليوم يوم حججك المصطفين واولياك المقربين وبشرك المحتجبين الذين سميتهم فى الكتاب باسما

*** ص ٨٤ ***

وحدانيتك بذكر على و محمد و جعفر محال مشيتك و مساكن كرامتك و معادن عظمتك و مواقع سلطنتك و اركان توحيدك و آيات تقديسك و علامات تمجيدك الذين قد اختصتهم

لنفسك و ارتضيتهم لحكمك و انتجبتهم لمرضاتك فبهم اتوجه اليك و اسئلك ان تصلى عليهم بكل تجلياتك و نفحاتك و كراماتك ما انت مبدعها لم تزل حيث لا يحيط بعلمها احد سواك و ان تفرغ علينا صبيرا بحقهم و انصرنا على الذين اعتدوا علينا بشانهم و ان تبارك فينا و لمن اراد مرضاتك من المومنين و المومنات بجلالتهم في كتابك و ان تويدنا بمعرفتهم و تلحقنا بنورك في ظل كرامتهم و تحرسنا بكفايتهم انك انت الله

*** ص ٨٥ ***

العزیز المتعال و سبحان الله ربّ العرش عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین .

يوم الابعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى نزل الروح على من يشاء بامرہ وانّ له ما فى السموات وما فى الارض وكل يوم الفصل اليه لتبعثون اللهم انت الله الحى القيوم الذى تفردت فى عرفان نفسك بذاتك و تعظمت فى توحيد ذاتك بكيونيتك و تعاليت بشأء كيونيتك بانيتك و تقدست بوصف انيتك بنفسانيتك و تعظمت بنعت نفسانيتك بذاتية ازليتك انت الذى لن تعرف بغيرك ولا توصف بسواك اذ الوصف بوجود نفسه يدلّ بالقطع والياس وانّ النعت بوجود

*** ص ٨٦ ***

ذاته يشهد بالسدّ والمنع وانك يا الهى لم تزل لن تقترن بجعل الجوهريات ولا بنعت المجردات ولا باشارات الممكنات اذ ذاتية نفسك لم تزل تدلّ بطلعة ازليتك ولا تزال تحكى عن حضرت صمدانيتك ولا لاحد سبيل فى عرفانك و تقديسك الا بالعجز والياس بعد الفصل والقطع فسبحانك يا الهى بعد علمى بالسد السبيل اناجيك و ادعوك و اشهدك و ارجوك بانك انت الله المحبوب المقصود لايزال انك جمال السموات و الارض و لا تزال انك تكون جمال السموات و الارض و بما انت كائن و انك انت بهاء الكل فى ملكوت الامر و الخلق اذ غير حبك و نسبة الخلق اليك لا عزّ لشيء و لا فضل له فاقسمك بعزّتك

*** ص ٨٧ ***

و جلال مشيتك ان تجعلنا راضين بقضائك و الصّابرين على باسائك و الرّاعيين الى ما جعلت عندك من النعيم الذى لازوال له و المشفقين من سطوتك و الرّاجين من بدائك و الخائفين من عدلك و المستغفرين بالليل الاليل و فى حين الفجر ثم الصبح اذا تنفس و العاملين بما فرضت فى كتابك اللهم لا علم لى الا بفضلك و لا خوف لى الا بعدلك و لا فضل لى الا برجائى من عفوك و كل شى له اسم خير فى كتابك هو منك و لك و اليك وحدك لا شريك

لك و انّ منه ذلك اليوم الذى خلقتة لاصفيائك و مددته لاوليائك و جعلته اسم امنائك
المقربين الائمة الهادين على و محمد ثم على و الحسن صلواتك عليهم اجمعين آيات
صمدانيتك و تجليات جبروتيتك

*** ص ٨٨ ***

و مقامات وحدانيتك و دلالات ازليتك و علامات رحمانيتك فاسئلك بحقهم عليك و
بحقك عليهم ان تصلى عليهم بما انت عليه من الشان و الوحدة و الجلال و العظمة و بما هم
يستحقون فى تلقاء مدين كبريائك و اسئلك بحقهم ان تكتب لنا فى ذلك اليوم كل ما كتبت
لهم فى علم الغيب و تنزل عليهم من بعد بامرک انک انت المّان ذوالفضل العظيم و سبحان
الله ربّ العرش عمّا يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين .

يوم الخميس

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى يويد بنصره من يشاء من عباده وان الارض لله يورثها من يشاء من عباده وان
العاقبة للمتقين يا الهى انى اشهدك الان بما انت تشهد لنفسك قبل

*** ص ٨٩ ***

كل شى فى ازل الازال بانك انت الله رب السموات والارض قد خلقت الكل منها من مشيتك
فسبحانك يا الهى انت المحبوب الذى عرفت نفسك بنفسك و وحدت ذاتيتك بازليتك و
شهدت بانيتك بكينونيتك فسبحانك تقدست ذاتيتك و تعاليت كينونيتك و عظمت
نفسانيتك و تجلت انيتك ان يصعد اليك اعلى شوامخ الممكنات او ان يرفع الى ساحة قربك
اعلى جواهر المجردات و انك انت فوق ما قال القائلون و انك انت الذى تقبل من العباد ما
لا يقبل العارفون و انت الذى تامر الخلق بما يحكم ما لا يامر به المقربون فسبحانك يا الهى فما
احلى ثنائك فى سرى و علانيتى و ما اعظم الآتك فى غيبتى و شهادتى انت الذى عرفتنى

*** ص ٩٠ ***

لنفسك بنفسك و الهمتنى ذكرك بذكرك و دعوتنى اليك بطلعة حضرتك و لولا انت لم
اك شيئا و لولا تايدك ما اخترت عزّا انت الذى خلقتنى و رزقتنى ثم هديتنى و الهمتنى فكيف
اشكر الآتك و انّ القصارى قد قصرتنى عن اداء تحميدك و انّ القضاى قد عجزتنى عن ثناء
تقديسك و انا ذا فى ذلك اليوم يوم حجتك القائم بامرک و المنتظر بوعدك اشهد فى بين
يديك عن كل خلقك بما انت تحب و ترضى بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لاشريك
لك و اشهد ان محمدا عبدك و رسولك الذى اصطفيته لنفسك و ارتضيته لغيرك و انتجبه
لسرك و اخترته لولايتك و جعلته مقام نفسك فى الاداء و البداء و جعلته منفردا فى مقام

*** ص ٩١ ***

الثناء من ابناء الجنس فى الانشاء انك انت العزيز المنان و اشهد ان عليًا و الحسن و الحسين و عليًا و محمدا و جعفرًا و موسى و عليًا و محمدا و عليًا و الحسن و الحجة القائم صلواتك عليهم كانوا امناء و حيك و اوعية علمك و اوصياء رسولك و اركان توحيدك و آيات تقديسك و علامات تحميدك و آيات تنزيهك و مواقع امرك و مظاهر سلطنتك و مقام صمدانيتك و دلالات ازليتك و شئون جبروتيتك فى ازل العدل و سرمد الفضل لا يسبقهم فى الشرف احد و كل ماسواهم من ذكرهم ليذكرون و يوجدون و اشهد ان فاطمة صلوات الله عليها ورقة مباركة التى جلّت و عظمت بامر ربها عن ماسواها و ان كل الراغبين اليك فى ظلها ليذكرون و يحشرون اللهم احب

*** ص ٩٢ ***

من احببني و اسخط على من ابغظني او حجدني و انك و راء كل من تشاء على و حافظ لي و اغفر لي و لا بوي و لمن تحب كما تحب بجدك و منك انك انت الله العزيز المتعال و سبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين.

يوم الجمعة

بسم الله الرحمن الرحيم

يا الهى اشهدك الان فى يوم الجمعة بما شهدت لنفسك من قبل ان توجد مشيتك بانك انت الله الفرد الاحد القيوم الوتر الدائم الذى لم تزل كنت بلا وصف من غيرك ولا تزال انك كائن بلانعت من سواك اذ ذاتيتك لم تزل مقطعة القطع عن الانقطاع و كينونيتك لا تزال مسددة المنع عن الامتناع من اول الذى لا اول له والآخر الذى لا آخر

*** ص ٩٣ ***

له لن يعرفك شئى ولا يوصفك وانهم ان عرفوك لم يعرفوا الا ابداعك وانهم ان وصفوك لا يصفوا الا اختراعك لان شان الخلق فى منتهى البلاغ وذروة الانقطاع لم يك الا محدودا بحدود النفى قبل الاثبات ثم النفى بعد الحيات فكيف يمكن من له حكم الممات قبل الحيات بان يعرف ربّه الذى لا يوصف بالحيات الا بمنتهى علانيه الاسماء والصفات وان وصف بذكر القدرة والحيات والعظمة والصفات هو ذكر لخلقه ان لا يظنوا فى ربهم ولا يشكوا فى الهيم بانه هو هو لا يحيط بما هم احاطوا فى الامكان والا ما حاش الظن بالله رب العالمين وانك يا الهى لتعلم ان ذكر العلم والقدرة والحيات والعظمة فى كتاب المقربين ذكرك فى الابداع لانفسهم وهو ذكر لا يليق بجنايبك ولا يصعد الى سماء قدسك ولا يرفع الى ساحة

*** ص ٩٤ ***

مجدك وان اعظم الذنب لى يا الهى واكبر الخطايا لنفسى يا مولاي هى علمى بنفسك و ذكرى وحدانيتك لان ذلك افك محض عند كل شى لان علمى بنفسك خلق فى ملكك و انّ ذكرى وحدانيتك شان من خلقك و انك اجلّ واعظم من ان تعرف بغيرك واعلى واكرم من ان توصف بسواك فاغفر لى فانّ بعد يقينى بالقطع لا طاقه لى بالمنع ولو انى لاعلم ان العود الى ذلك المقام بعد علمى لاعظم ذنب حيث لا يعادله ذنب ولكن يا الهى كيف اصمت

وكنت حيًا وكيف انطق وكنت ميتا ان اتوب اليك فهو عود الى ذنب الاول وان انطق لديك
 فهو ذنب بعد ذنب الاول فيا الهى ما لى السبيل ولا قدر بذكر الدليل وانت الربّ الجليل وانا
 العبد الذليل ان تدخلنى نارك وتقول لى هى جنتى فانى لاعلم انها نار لى ولا تطمئن نفسى
 بعد علمى بوجودى دون ذنب ولا ارى من الخلق بل لا يمكن فيهم

*** ص ٩٥ ***

الا ذنب فيها انا ذا القيت نفسى لديك وانى لاعلم انك تقول لى لاتخف فانك انت الاعلى
 ولكن كيف اسكن سرى بانّ ذلك هو ادنى فآه آه عمّا قلت و عمّا لا قدر ان انطق لديك فاغفر
 لى ولا بوىّ ولمن تحب كما تحب انك انت العلى العظيم وسبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون
 وسلام على المرسلين والحمد لله ربّ العالمين.

صلوات بر رسول و ساير ائمه عليهم السلام و مستحب است در كل اعياد بخوانند

بسم الله المتعالى المنيع

اللهم انك انت فاطر السموات و الارض و ما بينهما قد خلقت محمدا صلوتك عليه بامرک و اصطفيته لعهدک و اصطنعته لذكرک و استخلصته لولائتک و استقدمه على كل انبيائك و رسلک و جعلته قائما على مقام سلطان فردانيتک فى ملکوت ارضک و سماء ربوبيتک ليبلغنّ الى كل شى بانک انت الله

*** ص ٩٦ ***

لا اله الا انت و ان ما سواک خلقک و فى قبضتک لم تنزل کنت الها واحدا احداً فردا صمدا حياً قيوما ما اتخذت لنفسک صاحبة و لا ولداً و ما اخترت لنفسک هندسة و لا عددا صلّ اللهم على محمد بكل بهائك كما حمل وحيک و بلغ رسالاتک و تلى آياتک و جلّ جلالک و حذر عن باسک و طولک و بشر بما عندک من ظهورات لاهوتيتک و تجليات جبرويتک و آيات ملکوتيتک و مقامات ياقوتيتک حيث لانفاد لظاهر ابداعک و لا لمبادى اختراعک فصلّ اللهم على محمد افضل ما قد صليت على احد من خلقک و اعلى ما قد اختصاصت به احدا من عبادک و ارفع ما قد مننت به احداً من اوليائك و اعزّ ما قد عززت به احداً من خلصائك صلوة لا عدل لها فى علمک و لاشبه لها فى کتابک و لا كفولها فى ملکوتک و لا قرين لها فى مظاهر ابداعک صلوة يرضى به فواد حبيبيک عنک و عن كل شى و تروح روح نبيک منک و من كل شى و تفرغ به نفس رسولک منک و من كل شى و تستبهي به جسد

*** ص ٩٧ ***

صفيک عنک و عن كل شى اذ انه لو علم ان يكون فى علمک من ذر لم يقربوحدانيتک و لا بنبوتہ و لا بولاية الائمة من بعد و لا بالارکان البيت من عنده لم يفرغ فواده و لا يرضى حقّ الرضا عن خلقک اذ رضائه عنک فى كل شان معه فقرّ اللهم عينيه برضائه عن كل ما ذررت و

برئت و تخلق او تبذع فانّ ذلك لا يملكه احد غيرك ولا يقدر على هذا سواك فيك عليك يا
الهي وربي و بحق محمد عبدك و نبيك و رسولك عندك ان تطهر كل شي ان لا يكن في علم
حبيبيك ممّا يكره عنه بان تطهر الارض و ما عليها كلها بان يعبدك كل على ان لا اله الا انت و
ان محمدا رسولك و حبيبيك و انّ الائمة من بعده هم شهدائك و انّ اركان البيت هم مظاهر
نفسك فانّ ذلك لم يكن الا بفضلك و رحمتك فاصنع اللهم برحمتك مثل ما قد سئلت
فانك انت ربّ العالمين

صلوة بر امير المؤمنين عليه السلام

سبحانك اللهم يا الهى انك انت فاطر السموات والارض وما بينهما لم تزل كنت قاهراً على كل شى و ظاهراً فوق كل شى وقائماً على كل شى وقادراً على كل شى ومهيماً على كل شى

*** ص ٩٨ ***

فاسئلك بما قد سبحت به نفسك و حمدت به ذاتك و وحدت به كينونيتك و كبرت به انيتك و جللت به سلطان صمدانيتك ان تصلى على وليك الذى قد جعلته حجه على خلقك و كلمه البالغه من بعد حبيبك الذى قد اقمته لاطهار دينك و ارتفاع كلمتك و اودعته علم ما كان و ما يكون الى انقضاء خلقك و فرضت على كل شى طاعته و حتمت على كل شى محبته صلّ اللهم حينئذ عليه بكل اسم تذكر به و بكل رسم تنعت به و بكل بهاء و جلال و جمال و عظمة و نور و رحمة و كبرياء و عزة و كمال و رفعة و مشية و ارادة و قدر و قضاء و اذن و اجل و كتاب و علم و قدرة و قول و حبّ و شرف و سلطان ملك و علاء و منّ و احسان و حنان و امتنان و جود و ارتفاع و قدس و امتناع اذ انه من بعد حبيبك قد دعى الى دينك و عقد عهد محبة حبيبك فى قلوب خلقك و ارتفع كلماتك و انقطع اليك و بكلمه فكما قد جعلته اميراً فى ملكوت الاسماء و الصفات و منيراً فى ملكوت الارض و السموات صلّ اللهم عليه بافضل ما صليت على احد من اوصياء حبيبك و رسولك فانه

*** ص ٩٩ ***

لا يملكه ذلك غيرك و ارض اللهم كله عنك فانه لا يرضى الا و ان لا يكن فى علمه من شى الا و يقرّ انك انت الله لا اله الا انت و انّ محمداً حبيبك و رسولك و انه وليك و وصى رسولك و بما قد فرضت من ولاية الائمة من بعده و اركان البيت من بعدهم فاصنع اللهم برحمتك و فضلك به ما يرضى عنك و عن كل خلقك فان رضائه عنك لا و صف فيه و لا مثل ولكن رضائه عن خلقك لم يكن الا و ان تطهر الارض و من عليها فاجعل اللهم كذلك و اجعله

بابا لعرفان حبيب فانك قد ضمنت نصره و ان يحشر كل الاوصياء في ظله فاصنع اللهم
برحمتك كذلك فانك انت تقدر على ذلك و تخلق ما تشاء بامرک و انک انت ربّ العالمين

صلوات حضرت فاطمه

سبحانك اللهم انك انت فاطر السموات والارض وجاعل الامر والخلق لم يزل لم يكن لك شبه ولا مثل ولا كفو ولا عدل ولا قرين فسبحانك من ان يرتقى الى جوّ هوآء قدسك اعلى جواهر الممكنات او ان يعرج الى افق مجدك اعلى حقايق الكائنات او ان يسترفع لديك اعلى شوامخ الموجودات او ان يستنزل

*** ص ١٠٠ ***

ضياءك على جواهر ما قد خلقت فى ملكوت الارض والسموات فاسئلك اللهم باسمك الذى قد خلقت به محمدا حبيبك و باسمك الذى قد خلقت به عليا وليك و باسمك الذى قد خلقت به فاطمة الورقة المضيئة من شجرة نبوتك و الثمرة الجنيه من شجرة ولايتك التى قد جللتها و جملتها و عززتها و كرمتها و قدّمتها على كل نساء العالمين و عظمتها و نورتها بنورك ان تصلّى عليها صلوة ترضى فوادها عن سلطان وحدانيتك و روحها عن ابيه آية مملكتك و نفسها عمّن اقترنته به من على وليك و الائمة من بعده و جسدها من ضياء ركن الاول و علاء ركن الثانى و بهآء ركن الثالث و اسماء ركن الرابع اذ لا يملك ذلك احد غيرك و لا يقدر على هذا سواك و ارض اللهم فوادها عنك و روحها عن نبيك و نفسها عن الائمة من بعد نبيك و جسدها عن الانور المشرقة اركان بيتك و قرعينيها بان تطهر الارض و ما عليها ان لا يكن فى علمها دون حروف العليين و لا يسمع الا آياتك و لا ينظر عليها الا الى كلماتك و لا تشهد فوادها الا على قمص طلعتك و لا ينطق لسانها الا بشنائك و مليك قدس

*** ص ١٠١ ***

صمدانيتك و ما استقرت فى صدره الاحبّ و ولايتك و لا فى كبده الا روحك و ريحان بساط قدس فردانيتك و لا فى جوهر وجودها الا ما يستلذ به عنه بمظاهر قدس امتنانك و مطالع شمس ارتفاعك اذ لو يكن فى قلبها كره شئ لو لم يكره عنه لا تفرغ لعبادتك و انّ هذا ما لا يحيط به

علم احد غيرك ولا يقدر على هذا احد سواك فاصنع اللهم بها و صل عليها كما صلّيت على
 ابيها و اختصت بها من اقترنته بها فانّ ذلك عندك اقرب من ان يقول له كن فيكون و انزل
 اللهم ما هو خير عندك عليها و على ابيها و على من اقترنته بها و صلّ على الائمة من بعدها و
 على الاركان المضيئة من بعد الائمة فانك انت خالق كل شى لا اله الا انت تعلم كل شى و
 تقدر على كل شى و لا يعجزك من شى و لا يفوت عن قبضتك من شى سبحانك لا اله الا انت
 و انك انت ربّ العالمين.

صلوات بر امام حسن

سبحانك اللهم يا الهى انك انت محبوبى فى ملكوت الامر والخلق ومقصودى فى جميع
مظاهر البدع والامر ما عبت الا اياك وما اريد سواك وما سجدت الا لك ولا اسجد لدونك
فاسئلك اللهم باسمك الذى قد خلقت به حبيبك ووليّك والورقة المطهّرة من شجرة حبيبك
ان تصلّى على الحسن بن عليّ حجتك بما قد صلّيت على محمد وعلّى

*** ص ١٠٢ ***

وفاطمة فانك قد خصصته بما لا قد خصصته احدا من العالمين وفضلتهم بما لا فضلت احدا
فى العالمين فانزل اللهم ممّا ينبغى لجلال قدس عزتك و بهاء مجد كرامتك على بهائك
الابهى و جلالك الاجل و جمالك الاجمل واسمك الاعظم ونورك الانور ورحمتك التامة
ورفعتك المهيمنة وما قد سمّيت به نفسك ونزلت فى كتابك من اسمائك الحسنى التى ما
يحصيها احد غيرك وامثالك العليا التى لا يطلع عليها سواك ان تصلّى عليه افضل صلواتك و
تنزل عليه اجذب تجلياتك وتقدر له خير اسمائك وصفاتك فانه بعينيك وكنفك وحرزك
وكفايتك فارض اللهم فواده عنك وروحه عن حبيبك ونفسه عن ابيه وامة ونفسه وجسده
عن محال انسك و اركان بيتك ومواقع فضلك ومطارج جودك وقرّ اللهم عيناه بما تحبّ و
ترضى بما فى الاخرة والاولى بحيث لم يكن فى علمه ما يكره عنه وتطهّر الارض ومن عليها
بفضلك ورحمتك لترضى عن كل شى فان رضائه عنك لامرّد له ولكن رضائه عن كل خلقك
لم يكن الا وان لا يكن فى علمه الا من اقرب بوحدانيتك وصدق نبيك واعترف بالولاية الاوصياء
حبيبك واستشهد على حق اركان بيته بما قد قدرت فى علم الغيب عندك فافعل اللهم به ما
ينبغى لجلال قدسه واصنع اللهم به يستحقه بساط

*** ص ١٠٣ ***

مجدك فانك انت ربّ العالمين

صلوة بر امام حسين عليه السلام

سبحانك اللهم انك انت نور السموات والارض وما بينهما لم تزل كنت لها واحداً واحداً
فرداً صمداً حياً قيّوماً ما اتخذت لنفسك صاحبة ولا ولداً وانّ ما فى ملكوت الارض والسموات
كلها فى قبضتك ويمينك تخلق ما تشاء وترزق من تريد ويميت ويحيى وان اليك يرجع
الخلق فاسئلك اللهم باسمك الذى به قد خلقت محمداً حبيبك وباسمك الذى قد خلقت
به عليّاً وليّك وباسمك الذى قد خلقت به فاطمة ثمرة شجرة محبتك وباسمك الذى به قد
خلقت به الحسن وجعلته الحجة على خلقك وباسمك الذى قد خلقت به الحسين صلوتك
عليهم فى كل حين وقبل حين وبعد حين وجعلته حجّة من عندك على خلقك ان تصلى عليه
افضل ما قد صليت على احد من احبائك واكرم ما قد نزلت على احد من اوليائك وقدر اللهم
له من بهائك بابهاه ومن جلالك اجله ومن جمالك اجمله ومن عظمتك اعظمها ومن
نورك انوره ومن رحمتك اوسعها ومن كلماتك اتمّها ومن كمالك اكمله ومن اسمائك
اكبرها ومن عزّتك اعزّها ومن مشيتك امضاها ومن ارادتك اسرعها ومن قدرتك اقتدره و
من قضائك اعدله ومن بدائك اقربه ومن اذنك ارفعه ومن اجلك الطفه ومن كتابك احسنه
ومن علمك انفذه ومن قدرتك

*** ص ١٠٤ ***

مستطيتها وقولك ارضاه ومن مسائلك احبها ومن علمك اشرفه ومن سلطانك ادومه ومن
ملكك افخره ومن لطافتك الطفها ومن علائك اعلاه ومن منك اقدمه ومن آياتك اعجبها
ومن كل شى ما لم يكن له عدل جزاء ما قد استشهد فى سبيلك واسترضى بما عندك وانقطع
اليك واراد ارتفاع توحيدك واثبات تقديسك وارض اللهم فواده عنك وروحه عن نبيك و
نفسه و امّه واخيه ونفسه والائمة من بعده وجسده عن اركان بيتك وطهر اللهم ما فى علمه ان
لايكن من شى دون حبه وانزل اللهم حينئذ فى اعلى غرف رضوانك وابهى درجات جنانك

ما تقرّبه عينيه ولَمَّا كان يومئذ يوم العيد ما احبّ ان اذكر دون حروف العليين وانك انت لمن
وفى بعهدہ اوسع فضلا ورحمة و لدونه اشدّ بطشا و اعظم طولا سبحانك ان لا اله الا انت
لاحول ولا قوة الا بك وانك انت رب العالمين.

صلوة بر عليّ ابن الحسين عليه السّلام

سبحانك اللهم يا الهى كيف استعرجن الى جوّ هواء قدسك واستصعدن الى بساط فضل
انسك او استصفنّ فى جوّ عماء لاهوتك واستدفنّ فى جوّ هواء جبروتك واسترقينّ الى افق
جودك

*** ص ١٠٥ ***

مع علمى بوحدانيتك وفردانيتك و صمدانيتك وازليتك وقيوميتك وديمويتك وسبوحيتك
وقدوسيتك ومحبويتك ومقصوديتك ومعبوديتك ومطلوبيتك ومنظوريتك ومرغوبيتك و
معروفيتك وموصوفيتك و ان كل ذلك لاينبغى للعبد بين يدي سلطان ازليتك و لايلق
بالمربوب عند طلوع انوار ربويتك فصل اللهم على وليّك و ابن اوليائك عليّ بن الحسين
حجتك على خلقك و اتيك فى ملكوت ارضك و سمائك و نور طلعتك فى مظاهر ابداعك
وقمص وجهتك فى بواطن اختراعك و ادلاً سلطان وحدانيتك فى ملكوت قدسك و اجلالك
اذ انك يا الهى لم تزل و لاتزال تختص اهل ولايتك بشئون بديعه و تفضّل على اهل محبتك
ببدايع منيعة فصل اللهم على ذلك افضل ما صلّيت على احد من اوليائك و ابهى ما قد نزلت
على احد من احبائك و ارض اللهم فواد وليّك عنه و روحه عن نبيك و نفسه عن الائمة من
قبله و نفسه و الائمة من بعده و جسده على الاركان حجب قدس عزّتك و شمس مجد رفعتك
و المظاهر المقدسة المدلّة على وحدانيتك و الكواكب اللائحة فى ملكوت سلطنتك بحيث لم
يحط علمه بشى الا بما يحبه من ان يكون موقنا بوحدانيتك و مومنا

*** ص ١٠٦ ***

بصمدانيتك و مقرا بنبوه حبيبك و مصدقا ولاية اوليائك و منتظرا مظاهر ابوابك اذ لايقدر
على ذلك احد غيرك و ان امرك اقرب من ان تقول لشى كن فيكون فانزل اللهم حينئذ عليه ما

تقرّب به عينيه عند الله والائمة من ولده فانك انت تعلم ما فى السموات وما فى الارض وتقدر على كل شى وانك انت ربّ العالمين.

صلوة بر محمد بن علي عليه السلام

سبحانك اللهم انك انت بديع السموات والارض ذوالقوة والبهاء ونور العزة والضياء و نور العظمة والكبرياء وذوالرفعة والاسماء ونور الهيمنة والامثال قد تقدّست بكافوريتك عن عرفان كل الممكنات وترفعت بكينوتتك عن ثناء كل الموجودات واستجللت بجلال قدس نفسانيتك عما يمكن لطير طير الافئدة في ملكوت الاسماء والصفات واستعظمت بعلو قيوميتك على عظمة لاتنال اليها ايدي الجواهر من اولى الامتناع من في ملكوت الارض و السموات واستمنعت على ظهور منيع لايمكن ان يعرف احدا من الكائنات فاستلك اللهم بهائك الذي هو ابهى من كل بهاء و جلالك الذي هو اجل من كل جلال وجمالك الذي هو اجمل من كل جمال وعظمتك

*** ص ١٠٧ ***

التي هي اعظم من كل عظمته و من نورك الذي هو انور من كل نور و من رحمتك التي هي قد وسعت كل الذرات وكمالك الذي هو اكمل من كل كمال في ملكوت الارض و السموات ان تصلى على محمد بن علي حجتك ابن حجتك بافضل ما قد صليت على احد من اوليائك ونزلت على احد من اصفياك وارض اللهم فواده عنك وروحه عن نبيك ونفسه عن آباءه المصطفين ونفسه ثم الائمة من بعده الائمة الصافين ثم جسده من اركان بيتك الحرام فان ذلك لا يملكه احد غيرك ولا يقدر على ذلك سواه وقر اللهم عيناه بان لا يكن في علمه ما يكرهه عنه ليشهدن كل شى على ما قد خلقت من شهادة ان لا اله الا الله و محمدا رسول الله و الائمة هم حجج الله و ابواب البيت هم مظاهر سرالله فان ذلك ما قد خلقت كل شى و رزقته و أمته و احبيته و لاحول و لا قوة الا بك بك استغنيت عن دونك و استرجعت فضلك و احسانك موقنا بانك انت الله لا اله الا انت رب العالمين.

صلوة بر جعفر بن محمد عليه السلام

سبحانك اللهم يا الهى انك انت فاطر السموات والارض وما بينهما جاعل الملائكة رسلا
اولى اجنحة مشى و ثلاث و رباع يزيد فى الخلق ما يشاء

*** ص ١٠٨ ***

لا يعجزك من شئ لا فى السموات ولا فى الارض لا يعزب من علمك من شئ لا فى ملكوت
الامر والخلق لا شهدتك يا الهى بما انت قد شهدت على نفسك بانك انت الله لا اله الا انت
لم تزل كنت كائنا قبل كل شئ ولا تزال انك انت كائن بعد كل شئ لن يعرفك غيرك و لن
يوصفك دونك و لن يعبدك حق العباد سواك انت القاهر الذى لن تقهر و الظاهر الذى لن
تظهر و المهيمن الذى لا تمنع و الممتنع الذى لا يفوت عن قبضتك من شئ و القائم الذى لن
يقارنك من شئ لا سئلنك من كل اسمائك اكبرها و من كل امثالك اقربها و من كل ظهوراتك
اظهره و من كل تجلياتك اجذبها و من كل صفاتك اعلاها و من كل كلماتك اتمها و من كل
آياتك اعجبها و من كل مقاماتك ارفعها و من كل علاماتك اسناها و من كل دلالاتك ابهاها
ان تصلى على جعفر بن محمد حجتك ابن حجتك الذى قد جعلته آية سلطان فردانيتك و
وجهة لمليك صمدانيتك و شجرة مقدسة لارتفاع قيوميتك و ورقة متنزهه لاثبات صمدانيتك
و آية مبتدعة لارتفاع بدايع انوار قمص و جهتك فانزل اللهم عليه كل صلوتك و قدر اللهم له من
عندك كل نفحاتك و ابلغ اللهم من جميع خلقك ذكرك و

*** ص ١٠٩ ***

و ثنائك و ارض اللهم جسمه عنك حق الرضا و فوفه و نفسك عن نبيك حق الرضا و فوق
الرضا و روحه عن الائمة من بعد حبيبك و نفسه و الائمة من بعده و فواده عن اركان بيتك اذ
انى قد سئلتك يا الهى فى سبعة عينته على ظهور نزول رحمتك على محمد و آل محمد و ان
حينئذ لا سئلنك من صعود محمد و آل محمد اليك فى عالم شهادتك فان الامر عندك واحد

قَرِّ اللّٰهُمَّ عَيْنِيْهِ بِمَا لَا يَكُنْ فِيْ عِلْمِهِ دُونَ مَا لَا يُحِبُّ فَانْكَ تَقْدِرُ عَلٰى ذٰلِكَ لَا دُونَكَ وَتَخْلُقُ
كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِكَ لَا أَدْعُو سِوَاكَ وَلَا أَسْأَلُ إِلَّا مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ مَوْقِنًا يَا أَلَهَ الْاِلٰهَاتِ أَنْتَ رَبُّ
الْعَالَمِيْنَ.

صلوة بر موسى بن جعفر

سبحانك اللهم انك انت مجلى كل شى بنورك و مجذب كل شى بلحظات قربك
 لاسئلك من ظهورات مجد لاهوت فردانيتك و تجليات قدس جبروت صمدانيتك و بدائع
 انوار قدس ملكوت كبريائيتك ان تصلى على وليك موسى بن جعفر حجتك الذى قد جعلته
 مظهر بهائك و جلالك و جمالك و عظمتك و نورك و رحمتك و كلماتك و كمالك و
 اسمائك و عزتك و مشيتك و ارادتك و قدرك و اذنك و اجلك و كتابك و علمك و قدرتك
 و قولك و مسائلك و شرفك و سلطانك و ملكك و علائك و منك و آياتك و فضلک

*** ص ١١٠ ***

و امثالك اذ انك يا الهى تعلم كل شى و تقدر خلق كل شى و تشهد على خلق كل شى فانزل
 اللهم على حجتك من كل خير اعجله و من كل فضل افضله و من كل جود اقربه و من كل رحمة
 اوسعها و من كل ما قد اختصاصت به نفسك اعلاها عندك و امنعها لديق و ارض اللهم جسده
 عنك و حدك لا اله الا انت و نفسه عن نبيك و روحه عن الائمة اوصياء حبيبك و نفسه خير
 وليك و الائمة من بعده شهدائك على اهل مملكتك و فواده عن ارکان بيتك فانك انت
 الاول فى الاول و الآخر فى الثانى و الظاهر فى الثالث و الباطن فى الرابع لم يكن اوليتك الا
 عين باطنيتك و لا آخريتك الا عين ظاهريتك لان المظاهر قد اشرفت بانوار قمص تجليک
 كيف تشاء بما تشاء فصل اللهم على وليک افضل ما قد صليت على احد من اوليائك و اقرب
 ما قد نزلت على احد من اصفياک و قر اللهم عنياه بما تحب و ترضى و فوق الرضا و فوق فوق
 الرضا الى منتهى رفر الاعلى فانك انت رب الآخرة و الاولى لاسئلك من كل فضلک و
 رحمتک بان تنزلن على وليک بما انت عليه من فضلک و رحمتک فانك انت رب العالمين.

صلوة بر على بن موسى

*** ص ١١١ ***

سبحانك اللهم انك انت فاطر السموات والارض و ما بينهما قد اخترت ما قد اخترت بانشاءك وقد ابتدعت ما قد ابتدعت باحداثك لم تزل تدع ما تشاء كما تشاء ولا تزال تخرع ما تريد كما تريد سبحانك وتعاليت سبحانك وتقدس سبحانك وتنزهت سبحانك وتعظمت سبحانك وتجللت سبحانك وتعزرت سبحانك وتملكت سبحانك وتسلطت سبحانك وتحكمت لاتعلم احد كيف انت الا انت اسئلك اللهم حينئذ بسبحات انوار وجهتك ومطالع شمس احديتك ان تصلى على حجتك ابن حجتك على بن موسى خيرتك من احبائك و صفوتك من اوليائك الذى قد جعلته باب عرفانك وسبيل الوفود على بساط قدس ارتفاعك اسئلك اللهم حينئذ ان تنزل عليه من بهائك ابهاه ومن جلالك اجله ومن جمالك اجمله ومن عظمتك اعظمها ومن نورك انوره ومن رحمتك اوسعها ومن كلماتك اتمها ومن كمالك اكمله ومن اسمائك اكبرها ومن عزتك اعزها ومن مشيتك امضاها ومن ارادتك اسرعها ومن قدرتك اقدره ومن قضائك اعدله ومن بداعك امنعه ومن اجلك ما توجه فيه بامضائك و

*** ص ١١٢ ***

من كتابك ما تنزل بابداعك ومن علمك انفذه ومن قدرتك مستطيلها ومن قولك ارضاه و من مسائلك احبها ومن شرفك اشرفه ومن سلطانك ادومه و من ملكك افخره و من علائك اعلاه و من منك اقدمه و من آياتك اعجبها و من ظهوراتك اظهرها و ان تصلى عليه بما صليت على احد من اوصياء انبيائك و ان يرضى جسده عنك و نفسه عن نبيك و روحه عن آبائك و نفسه ثم الائمة من ذريته و فواده عن ابواب طلعتك و قمص شمس صمدانيتك و ان تقرر عينيه بان لا يكن فى علمه الا بما تحب و ترضى و فوق الرضا الى ما انت قد احصيت فى ذروة العلى

الى ان ينتهى الامر الى الذرة الاولى اذ لا يقدر على هذا غيرك ولا يستطيع على ذلك سواك
وانك انت رب العالمين.

صلوة بر محمد بن علي

سبحانك اللهم انك انت مبدع السموات والارض وما بينهما ومقدر ما في ملكوت الامر والخلق وما دونهما لم تنزل كنت الها واحدا احدا فردا صمدا حيا قيوما دائما ابدا ما اتخذت لنفسك صاحبة ولا ولدا وما اقترنت ذاتك بشئ من مظاهر ابداعك مما يذكر به عندك عدداً اسئلك اللهم حينئذ ان تصلي على حجتك ابن حجتك محمد بن علي معدن وحيك ومنبع عزك ولسان توحيدك ومواقع امر

*** ص ١١٣ ***

ملكوت تقديسك وبدائع آثار ربوبيتك في مظاهر تجريدك نورك الذي قد اقمته مقام نفسك واخترته لظهور عدلك وطولك وخصّصت به ما هو غير عندك من لحظات انوار وجهتك و تجليات سبحات نور طلعتك اذ انك يا الهى فى كل حين لفى شان بديع وخلق جديد تمنّ على من تشاء كما تشاء بما تشاء عطائك لا عدل له و سلطانك لا كفوله و ملك لا مثل له و علائك لا قرين له و آياتك لا مثل لها اسئلك اللهم حينئذ ان تصلي على وليك بما انت مستحق به اذ لا يقدر على هذا غيرك ولا يستحق ذلك سواك اسئلك اللهم بما انت انت ان تصلي على وليك بما ينبغى لجلال قدس عزتك و بهاء مجد ازليتك اذ انك يا الهى قائم على كل نفس و ظاهر فوق كل شى و قاهر فوق عبادك و متعال عن ثناء انشائك و مقدس عما يتدوت فى الابداع اثباته فارض اللهم جسد وليك عن ظهور توحيدك و نفس حجتك عن نيّك و روحه عن آبائه المصطفين و نفسه ثم الائمة المهتدين من بعده و فواده عن ابواب عنايتك و مطالع شمس فردانيتك اذ انك مقتدر على هذا لا دونك و مهيمن على ذلك لاسواك لا امر الا من عندك و لا فضل الا من لدنك سبحانك ان لا اله الا انت سبحانك

*** ص ١١٤ ***

انك انت رب العالمين.

صلوة بر علي بن محمد

سبحانك اللهم انك انت مبدع السموات و الارض و ما بينهما تقدر خلق كل شى كيف تشاء بما تشاء و تصور خلق كل شى كيف تريد بما تريد حكمك النافذ فى ذرات ابداعك و مشيتك القاهرة فى جميع ملكوت ارضك و سمائك و ارادتك مرفوعة فى كل الموجودات باحداثك و قدرتك مستطيلة على كل الكائنات بما قد قدرت فى فعالك انت الخالق الذى لن تخلق و الرازق الذى لن ترزق و المميت الذى لن تتغير و الحى الذى لن تموت يجارو ولا يجار عليك و تقضى و لا يقضى عليك و تحكم و لا يحكم عليك و تقدر و لا تقدر الا باذنك اسئلك اللهم ان تصلى على وليك و ابن اوليائك و صفيك و ابن اصفياك و حبيبك و ابن احبائك و خيرتك و ابن اوليائك افضل ما قد صليت على احد من اهل ابداعك و اقرب ما قد نزلت على احد من اهل اختراعك سبحانك سبحانك كل يسجد لك بما عندك و كل يطلب و صلک بما انت عليه من بهائك ماسواک ارقاء فى مملکتک و فقراء عند بساط قدس عزتک فانزل اللهم ما ينبغى لجلال قدس عزتک على وليک و ابن اوليائك فانّ

*** ص ١١٥ ***

اسمائک لا يحصياها احد غيرک و امثالک لا يصفها احد سواک و انک انت تشهد خلق كل شى و تحيط بكل شى فارض اللهم جسد وليک عن مطلع افق توحيدک سبحانک ان لا اله الا انت و نفس حجتک عن مطلع ظهور تحميدک محمد رسولک بما قد قدرت له سبحانک ان لا اله الا انت و روحه عن مظاهر توحيدک ائمة الدين آباءه و نفسه و الذين قد قدرت لهم الولاية من بعده و فواده عن ابواب عنايتک و مطالع شمس فردانيتک فانک انت المقدر على ذلك و المهيم على هذا لاراد لا مرک و لامرد لتقديرک فانزل اللهم على وليک ما تقر به عينه فى عوالم امرک و خلقک فانک انت رب العالمين .

صلوة بر حسن بن على عليهما صلّهما

سبحانك اللهم انك انت اله كل الهة فى ملكوت الارض والسموات وانك انت ربّ كل الارباب فى ملكوت الاسماء والصفات لم تزل كنت كائنا قبل كل شى ولا تزال انك انت كائن قبل كل شى تبعد ما تشاء بابداعك وتخترع ما تريد بانشاءك لم يكن لك عدل ولا مثل ولا شبه ولا كفو ولا قرين تبعد ما تشاء بابداعك وتخترع ما تريد باحداثك لم تزل ابواب قدس عزتك
*** ص ١١٦ ***

لاهل محبتك مشرقة وبدايع آثار ربوبيتك لاهل ولايتك لايحة انت المحبوب الذى لم تزل و لا تزال لن تعرف بغيرك وانت المقصود الذى لم تزل ولا تزال لن توصف بسواك وانك انت معبود الذى ماسواك ساجد لك وراجع اليك قد تعظمت بكافوريتك على كل الممكنات و تقدست بساذجيتك على كل الكائنات و ترفعت بنفسانيتك على من فى ملكوت الارض و السموات و تعززت بانيتك على من فى ملكوت البدء و النهايات سبحانك سبحانك انت العالى الذى لن تعرف بالعلو وانك انت المتعالى الذى لن توصف بالسمو اسئلك حينئذ ان تنزل رحمتك و صلوة سلطان احديتك على الحسن بن على حجتك ابن حجتك و وليك ابن اوليائك و صفوتك ابن اصفياك الذى قد جعلته مظهر توحيدك و باب تفريدك و الحجة من عندك على كل خلقك فارض اللهم نفسه من مطلع ظهور شمس توحيدك و نفسه عن حبيك الذى قد جعلته خير انبيائك و صفوة اصفياك و روحه عن آباءه ائمة المصطفى الذينهم شهدوا بالحق و هم يعملون و عن نفسه

*** ص ١١٧ ***

و عمّن قد جعلته حجتك من بعده اذ لا يقدر على ذلك احد دونك فانزل اللهم عليه من بهائك و علائك و منك و امتنانك و فضلك و احسانك و آياتك و ظهوراتك و كلمتك و تجلياتك و عظمتك و ارتفاعك ما يرضى جوهر نفسه و كافور ذاته و ساذج كينونيته و مجرد ذاتيته انك

تقدر على هذا ولا يقدر على هذا احد سواك سبحانك ان لا اله الا انت انك انت ربّ
العالمين.

صلوة بر محمد بن الحسن

سبحانك اللهم انك انت خالق السموات والارض و ما بينهما بامرک لا من شئ و انک
انت فاطر كل شئ بامرک لا من شئ لم تزل كنت كائنا قبل كل شئ ولا تزال انک انت كائن بعد
كل شئ و انک انت فى كل حين مكون كل شئ سبحانک من ان اصفک بدونک اذ انک انت
الظاهر فوق كل شئ و القادر على كل شئ و المهيمن على كل شئ و القائم على كل نفس تعلم ما
كسبت و تشهد على ما تكسب و القاهر على ما قد خلقت و تخلق لا يعزب من علمک من شئ و
لا يفوت عن قبضتك من شئ و لا يعجز عند قدرتك من شئ انت الظاهر

*** ص ١١٨ ***

الذى لن تظهر و القاهر الذى لم تقهر و الحى الذى لا يموت و القائم الذى لا تمنع و المهيمن
الذى لا يفوت عن قبضتك من شئ و ما من شئ لا فى السموات و لا فى الارض و لا ما بينهما
الا و انه ليسبحك بحمدك و يسجد لك بسلطانك و بنفاد لارادتك ببرهانك قد ملئت آياتك
فى ملكوت ارضك و سمائك و بها ظهرت ان لا اله الا انت و تمت حجتك على من فى
ملكوت الامر و الخلق فانزل اللهم كل خير قد احاطه به علمک على وليک القائم بامرک و
المنتظر لوعدك و المرتقب لحكمك و المنتصر بجندك و المستملك كل شئ لسلطانك بما
انت عليه حيث لا يحيط به علم احد غيرک و احفظه اللهم من بين يديه و من خلفه و عن يمينه
و شمائله و من فوق راسه و تحت قدميه و من كل شطر ينسب اليه بما قد حفظت كلمة التوحيد و
ما قد خلقت عن تلك الكلمة من نبوة حبيبک و ولاية اوليائك و محبة اصفياك اذ انک يا
الهى مقتدر على كل شئ و ملك فى سلطانك فوق كل شئ لم تزل لن تعرف باسماء مملكتك
و لن توصف بما قد خلقت من ظهورات ملكوت سلطنتك انت الذى لن تعرف

*** ص ١١٩ ***

بدونك و انت الذى لن توصف بسواك فانزل اللهم كل بهائك و جلالك و جمالك و عظمتك و نورك و رحمتك و كمالك و كلماتك و اسمائك و عزتك و مشييتك و ارادتك و قدرك و قضائك و بدائك و اذنك و اجلك و كتابك و علمك و قدرتك و قولك و مسائلك و شرفك و سلطانك و ملكك و علائك و منك و آياتك و ظهوراتك و فواضلك و تجلياتك و نوافلك و دلالاتك و عطاياك و مقاماتك و مواهبك و ما انت تحب يا الهى ان تذكر به على وليك و ابن اوليائك المذكر نبيك فى ظهور امرك و آياتك فارض اللهم جسده من مطلع شمس توحيدك سبحانك ان لا اله الا انت قبل كل شى و بعد كل شى و فوق كل شى و دون كل شى و عن يمين كل شى و شمائل كل شى و من شطر كل شى و احاطته كل شى و من نسب كل شى و ما يرجع النسب اليه و نفسه عن نبيك و روحه عن اوليائك و نفسه و فواده عن ابواب هدايتك فى الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و قدر اللهم له من كل خير ما انت قد اختصاصته لنفسك فانه لا يملك على هذا غيرك و قرّ اللهم عيناه ان لا يحيط علمه بشى يكرهه و انزل اللهم على اهل محبته ما ينبغى لجلال قدس

*** ص ١٢٠ ***

عزتك و بهاء مجد ازليتك فانك يا الهى تعلم مقره و مستقره و ان حينذ عندك ظاهرا بظهورك و مهمينا بارتفاعك و قائما على كل شى بقيوميتك و مقتدرا على كل شى باستيصال قدرتك و مرتفعا فوق كل شى بعزة سلطان كبريائيتك اذ انك يا الهى لم تزل تنزل عليه فى اعلى غرف جنتك و ابهى سرائر قدس رفعتك ما يرفعه الى بساط مجد عزتك و منبع ابتهاج ازليتك الى يوم تاذن فى اقامة امرك و ارتفاع كلمتك و تطهر به كل شى بما قد جعلت عنده من آياتك الكبرى فى ظهوراتك العليا و اسمائك الحسنى و امثالك العليا و تجلياتك القصوى اذ منه تبدع ما بدع فى ملكوت العلى الى ذرة الادنى و اليه يرجع من رجع فى الآخرة و الاولى سبحانك اللهم انك انت فالق الحب و النوى و مقدر كل شى بظهورات مشييتك فى ملكوت السموات و الارض و ما بينهما الى اين يرجع الامر اليك فى افق الاعلى فسبحانك اللهم يا

الهي قدر له من عندك من الرضا و فوق الرضا و لركن بيته الاول منهم مظهر تسييحك ثم
 تحميدك ثم توحيدك ثم تكبيرك اذ لم يكن ظاهرا دونك و لا باطنا غيرك و لا اولا سواك
 و لا آخرا الا اياك و لا ربا الا انت سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله

*** ص ١٢١ ***

أكبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم سبحانك ربك رب العزة عما يصفون و سلام على
 المرسلين و الحمد لله رب العالمين.

دعاء متصل بصلوة من يريد ان يقرأها

بسم الله المتعالى المنيع

سبحانك اللهم يا الهى انك خالق السموات والارض وما بينهما لم تزل كنت كائنا قبل كل شى ولا تزال انك انت كائن بعد فناء كل شى وان يومئذ لما كان عيدك الاكبر الاظهر الانور الاظهر الاعلى لاحبب ان اثنيين على سلطان فردانيتك ولاذكرنّ مليك صمدانيتك رجاء ما انك انت عليه من علوك وارتفاعك وسموك واجلالك لعلّ بذلك يسكن سرى ويرضى فوادى ويروّح كينونيتى سبحانك ان لا اله الا انت المعبود الذى ماسواك خلقك وانت المقصود الذى ماسواك عبدك وانت المحبوب الذى كل يشتاقي لقاءك والقيام بين يدي سلطانك وانت المرهوب الذى كل يخاف من عدلك ويشفق من سطوتك وانت المحمود الذى كنت عادلا فى حكمك ومحمودا فى صنع فعلك وانك انت سبوح الذى لن يقدر طير فواد احد تسيبحه اليك وانك

*** ص ١٢٢ ***

انت القدوس الذى لن يفدرالى جناب احديتك جوهر مجرد من شى وانك انت ديموم الذى لم تزل تجذب اهل مودتك لودك وانك انت قيوم الذى لا تزال كنت قائما على كل شى ولا تزال انك انت لتكونن قائما على كل شى وانك انت المشكور الذى كل يشكرك بالآئك ممن عرفك او لا عرفك لان ما من شى الاوله شيئته وان شيئته من عندك قائمة بامرک و لذا كل ذلك يسبحك ولو لم يعرفك و لذا كل على ذلك يشكرک بالآء مملکتک ولو لم يقدر ان تلاحظ سبحات انوار طلعتک فسبحانک فسبحانک رزقک مبسوط لكل اهل مملکتک والآئک معده لكل اهل سلطنتک ومقادير عنايتک مقضية لاهل محبتک وفواضل سلطان كبريائيتک محققه فى جواهر ملكوت ولايتک هذا يوم قد بهيته وجللته وجملته وعظمته ونورته ورحمته وكلمته وكبرته ورفعته وعزته وانشأته وابدعته واخترته وحدثته وقدرته و

قبضته واحببته وشرفته ومجدته وكرمه ومنت عليه وفضلته وجودت عليه وحننته ولاحظته و
تجليت له بما قد اجاب

*** ص ١٢٣ ***

امرک فی ذرّ الرابع الذی قد اخذت عن کل شیء عهد لاهویتک و فی ذرّ الثالث الذی قد اخذت
عن کل شیء عهد جبروتیتک و فی ذرّ الثاني الذی قد اخذت عن کل شیء عهد ملکوتیتک و فی
ذرّ الاولى الذی قد اخذت عن کل شیء عهد یاقوتیتک فاشهدک اللهم حینئذ بانک انت الله لا
اله الا انت لک الخلق و الامر و السموات العلی و الارضین الاولى و ما بینهما و مادونهما و ما
فوقهما الی افق الاعلی الی الذره الاولى لک و فی قبضتک لایملک احد بالاستحقاق غیرک
لان تملیکی وجودی لم یکن الا من فرع عطائک و فواضل امتنائک و الا انک انت احقّ بمن
فی ملکوت ارضک و سمائک عن کل شیء بل استغفرک اللهم من افک قد خلقت کل شیء
لظهور فضلک و طولک و اقامت کل شیء بامرک لارتفاع سلطنتک و عدلک فسبحانک اللهم
عن کل تسبیح یمکن فی الابداع تحقّقه او یتلبس قمص الوجود بتذوته او یستعرج الی افق القرب
بحقیقته او یسترفع الی بحبوحه المجد بکینونیّته او یسترقی الی جو عماء الفضل بما قد خلقت
فی انیّته او یتصعد الی جو مقادیر رحمتک بما قد خلقت فی نفسانیّته فانک انت العالی الاعلی
لن تعرف بالعلو ولا الجلال و انک

*** ص ١٢٤ ***

انت المقصود الممتنع الارتفاع الابهی لم تنعت بهندسة و لابیان هذا یوم یجذب اهل محبتک
الی روح ملیک فردانیتک و ترفع اهل ولایتک الی منبع قدس کبریائیّتک و تنزل علی اهل
محبتک نوافل کبریائیّتک و فواضل رحمانیتک و بدایع ملیک قیومیّتک ها انا ذا یا الهی کل
عبادک و ارقائک و فقرائک و احبائک قد وفدنا باب قریک و تجلیک و نزلنا بفناء عزک و
تربیتک فاثبت اللهم افئدتنا علی وحدانیتک فانّا قد رضینا بک ربنا سبحانک ان لا اله الا انت

حقًا حقًا ونزل على ارواحنا ما تطمئن بتحميدك سبحانك ان لا اله الا انت وان محمدا عبدك
 ورسولك صدقا وعدلا وما يطمئن به انفسنا من مظاهر انوار طلعتك واوراق شجرة ازليتك
 سبحانك ان لا اله الا انت وان عليا وفاطمة والحسن والحسين وعليًا ومحمدا وجعفر و
 موسى وعليًا ومحمدا وعليًا ومحمدا والحسن ومحمدا وليك القائم بامرک هم اوليائك في
 ملكوت الامر والخلق وما يسكن به اجسادنا عند مشاهدة قمص طلعتك وملاحظة انوار
 وجهتك في ابواب هدايتك وسرج ولايتك الاول والآخر

*** ص ١٢٥ ***

ثم الظاهر والباطن ابواب اربعة التي قد اقمته لعرفان نبيك واثبات حجتك وارتفاع كلمتك
 واستجلال جلال احديتك فان ما ينفعنا يا الهى هذا الا دون ذلك لاشهدنك يا الهى يومئذ
 بما انت تحب وترضى ولاستلن من كل فضلک ورحمتک وكرمک وجودک وعنايتک ان
 تنزل على محمد وآل محمد من كل بهائك ابهاه ومن كل جلالک اجله ومن كل جمالك
 اجمله ومن كل عظمتک اعظمها ومن كل نورک انوره ومن كل رحمتک اوسعها ومن كل
 كلماتک اتمها ومن كل كمالک اكمله ومن كل اسمائك اكبرها ومن كل عزتك اعزها ومن
 كل مشيتک امضاها ومن كل علمک انفذه ومن كل قدرتك مستطيله على كل شى ومن كل
 قولک ارضاه ومن كل مسائلک احبها اليك ومن كل شرفک اشرفه لديك ومن كل سلطانک
 ادومه عندك ومن كل ملكک افخره فى كتابک ومن كل علائک اعلاه فى ملكوت ارضک
 وسمائك ومن كل منک اقدامه ومن كل آياتک اعجبها ومن كل تجلياتک اجذبها ومن كل
 ظهوراتک اظهرها ومن كل مقاماتک اقدسها ومن كل دلالاتک اثبتها ومن كل علاماتک
 ارفعها ومن كل رزقک ابسطه ومن كل عطائك اهنته ومن كل خيرک اعجله ومن كل فضلک

*** ص ١٢٦ ***

افضله و عما انت مستحق به ينبغى لجلال قدس عطائك و مليك مجد افضالك فانا بعينك
 و فى كنفك و فى حرزك و حمايتك و كهفك و كلائتك اسئلك ان تمن علينا بكل ذلك و
 تقدر لنا من كل ذلك اذ انا لاندعوا دونك ربنا و لانعتقد سواك الهاً فيك استشفعت اليك و
 استرغبت الى ما عندك ترى مقرى يا الهى و مستقرى و ما يرضى فوادى الابك فانزل اللهم
 على بيوت التى يسبح اهلها بالغدو و الآصال من كل فضلک و رحمتك افضله و اوسعها فانا
 لانملك دون فضلک و رحمتك من شئ و ان بك استغنيا عن كل عبادك و ان بفضلک و
 رحمتك و جودك و كرمك و عنايتك و مواهبك و ثنائك نرجو ما انت اهله و مستحقه انك
 انت يا الهى خالق كل شى و رازقه و جاعل كل شى و مقدره و مميت كل شى و محييه فاحيى
 تلك العظام الرميمة بسبحات انوار وجهتك و تجليات قدس كرامتك و افرغ اللهم صبرا على
 اهل محبتك و طمانينة و سكينه من عندك حتى يرضى كل بما قد رضيت فلک الحمد يا الهى
 فى ذلك اليوم الاقدر الانور الاكرم و الصراط الاعظم و الرمز المنمنم و البهاء الادوم ان تصلى
 على محمد محبوب الامم و مليك كل شى فى ذروة القدم و ان تنزل عليه و على اهل محبته
 ممن وفى

*** ص ١٢٧ ***

بعهده و آمن به فى ظهور رجعه و اثبات رفعتة اذ لك فيه ظهورات مرّة فى ركن التوحيد و مرّة فى
 ركن النبوة و مرّة فى ركن الولاية و مرّة فى ركن المخزون المكنون المصون المرموز فانّ هناك
 يرجع الامر الى منتهى النهايات و يتصل ظهور حبيك الى افق الفضل و البدايات و ما قدرت فى
 منتهى الغايات فسبحانك يا الهى انك انت الاول فى الاول و انك انت الآخر فى الآخر و
 انك انت الظاهر فى الظاهر و انك انت الباطن فى الباطن و كم من عباد قد امنوا بظهوراتك
 فى الظاهر و احتجبوا عن ظهورك فى الباطن فاثبت اللهم محبتك فى قلوب اهل ولايتك لمن
 ظهر من قبل الذى اذا ازيد على اسم الاول ما لم يكن الا الحمد لك و على اسم الثانى عدد
 اسم على لم يكن الا ما قد نزلت من بعده اسمك العظيم فاغرس اللهم اشجار محبتها فى قلوب

اوليائك و على المتمين لهذين الاظهرين الارفعين الظاهر في الهيكل الواحد والباطن في الرمزين المنمنمين و السرين المستسرين و النورين الانورين و الظهورين الاظهرين و الاسمين الاعليين و الكاتبين المختومين الذي كان مظهر اجتماع نور محمد و على في العرش قبل ان يجعله الله نصفين و يخلق نصفه محمد و من نصفه الآخر على لان ذلك الهيكل لم تنزل و لاتزال ساجدا عند الله و قائما بين يديه على العرش و اننى انا يا الهى لا قسمك بذلك

*** ص ١٢٨ ***

النور الواحد قبل ان يتعدد بظهور الاركان الاربعه من التسبيح و التمجيد و التوحيد و التكبير و ذلك الهاء الخمس قبل ان يشبع الواد و يظهر ان تصلى على محمد و آل محمد فانك ما خلقت خلقا خيرا منهم فى علمك و لا اقرب بهم فى كتابك فبحقك يا الهى عليك فى ذلك اليوم ان تنزل على و على اهل محبتى من ذكر او انثى ممن كان او يكون الى ان يقوم الساعة ما ينبغى لجلال قدس عطائك و مليك عز افضالك فانتى انا يا الهى قائل ببدائك مرتقب فضلك و بهائك اسئلك اللهم يا الهى من رقائك و نوافلك و حنانك و منك و جوامع امرك و ارتفاع سلطنتك ان تنصرنى و اهل محبتى نصرأ عزيزا و ان تفتح لى و لاهل ولايتى فتحا مبينا و تقدر لى و لاهل محبتى ما هو خير لنا عندك فى الآخرة و الاولى انك قد احطت بكل شى علما و لما ينبغى يا الهى للعبد ان يحضر يوم العيد عند مالكة و المربوب عند ربه و المقدور عند مقدره فانا ذا يا الهى يومئذ جئتك مقرا بوحدانيتك مومنا بصمدانيتك آخذاً اطراف رداء كبريائيتك متشبثاً باذيال عواطف مجد لاهوتيتك و افداً على مناهل سلطان سبوحيتك و اردا على شريعة قدس ديموميتك شاربا من كاس رحمانيتك متلذذاً باذكار جبروت عزتك ناظرا انوار قمص طلعتك قائماً

*** ص ١٢٩ ***

بين يدي عزتك طالبا مرضاتك مشتاقا لقائك سبحانه فيها انا ذا كمن وفدك او حضر بين
يديك كيف اثنين عليك يا الهى ان بجوهر كافوريتى او بمجرد ساذجيتى او بهاء كينونيتى او
بعلاء ذاتيتى او بارتفاع مظاهر صنعك فى ايتى لا فو عزتك كل الالسن كالة عن ثنائك وكل
الاشارة مردودة الى محالها بما قد قدرت فيها بل لا قولن انك انت محبوبى لا اله الا انت و
انك انت مقصودى لا اله الا انت و انك معبودى لا اله الا انت و انك انت محمودى لا اله
الا انت و انك انت معروف عند نفسى لا اله الا انت و انك انت موصوف فى عوالم امرى و
خلقى لا اله الا انت و انك انت سبح لاسبحك عن ذكر السبوحية و انك انت قدوس
لاقدسك عن ذكر القدوسية و انك انت ديموم لانزهنك عن ذكر الاديمومية و انك انت قيوم
لاتحيرن فى جمال قمص طلعتك يمحو غيرك عن حضور قيوميتك و انك انت منظورى فى
كل شان بما قد اجذبتنى الى بساط قدس فردانيتك فاليك يا الهى بسطت يداى سبحانه ان
لا اله الا انت ما جئتك بشئ من مظاهر ملكوت سلطنتك لان كل ذلك خلقك وفى قبضتك
ولا لى شئ ان افده ببساط قدس رحمتك و لو استطعت ان افنى وجودى بين يدي طلعتك
لكان

*** ص ١٣٠ ***

ذلك هو المقصد والمطلب ولكن كيف ذلك و انك قد خلقتنى للبقاء و ما قدرت لى من
عندك دون البهاء لالقين نفسى و ما نسبت الى فى عوالم الامر و الخلق اليك فاصنع اللهم بى
ما انت اهله و انزل بدايع رحمتك و مواقع فضلك و موهبتك على ابوى و اهل محبتى ممن
كان او يكون انك انت ربى عليك توكلت و ان عليك فليتوكلن عبادك المتوكلون سبحانه
ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.

این دعاء از کتاب پنج شان، باب بسم الله الاحد الاحد نقل شده است

فلتغسلن فی یوم الجمعة وتلبسن الطف ما قد اعطاک الله ربک ولتشرین ثلث کاس من ماء واحد لتجذب به فوادک ویتروّح سرک و علاک فاذا فاستدخلن اعلى هجرتک و ليقومن تلقاء البيت ثم قل الله اقرب تسعة عشر مرة ثم اجلس مقعدک و قل سبحانک اللهم انک انت فاطر السموات و الارض و جاعلها و مقدرها و مصورها لن يعزب من علمک من شیء لا فی ملکوت الامر و الخلق و لا مادونهما و انک کنت علاما مقتدرا قديرا صلّ اللهم يا الهی على عرش ظهورک فی ملکوت امرک و خلقک و کرسی بطونک فی ملکوت سمائك و ارضک الذى قد تجلیت له بالنقطة البیان قبل کل شیء و اذقته

*** ص ۱۳۱ ***

من حدائق ابکار شجرة الوحداية قبل کلی شیء و حضرته بین یدیک قبل کل شیء و عرجته الیک بقدرتک فوق کل شیء و اوتيته الآيات و البينات قبل کل شیء بكل بهاء قد خلقتہ او تخلق و کلّ جلال قد خلقتہ او تخلق و کلّ جمال قد خلقتہ او تخلق و کلّ عظمة قد خلقتہ او تخلق و کل نور قد خلقتہ او تخلق فانک انت نور قبل کلّ نور و انک انت نور من بعد کل نور و انک انت نور فوق کلّ نور و انک انت نور مع کل نور و انک انت نور دون کل نور و من کل رحمتک اوسعها و من کل کبريائک اکبره و من کل کمالک اکمله و من کل عزّتک اعزّه و من کل مشیتک اقربها و من کل علمک انقذه و من کل قدرتک اقدرها و من کل رضائک ارضاه و من کل شرفک اشرفه و من کل سلطانک ادومه و من کل ملکک افخره و من کل علائک اعلاه و من کل آیاتک اتمها عندک و من کل کلماتک اعجبها لیدیک و من کل خیر قد احطت به علما ما ینبغی لعلو قدس امتناعک و سمو عزّارتفاعک انک کنت بكل شیء محیطا و انک کنت على کل شیء قديرا ثم اسجد على طین منه فان نسب الطین الیه سواء فی القرب و البعد على فراسخ اذ تلک ارض قد اسطالت علیها کلمة البایه و استظهرت علیها

*** ص ١٣٢ ***

سرّ الوجدانية واستقهرت عليها ظهور الصمدانية واستجللت عليها آيات الفردانية واستسلطت عليها دلالات الاحديه وانها قد ذكرها الله تعالى متعالية متعالية الى يوم من يظهره الله وقل في سجودك اللهم انك انت اقرب الاقربين وانك انت اله الالهين وانك انت اوحى الالوهين وانك انت احد الاحدين وانك انت اصمد الاصمدين صل على اول من آمن لحجتك و انزل عليه فى رفرى الرضوان ورفى الجنان ما انت عليه من كل خير قد احطت به علما وان لم يكن فى حفظك صلّ عليه بما تستطيع ولتلعن على ما قد حزنه وفوق ذلك ثم فاسئل عن الله ربك مقصدك فانّ الله ليقضينه بقدرته باسرع ما قدر عنده اذا كنت مخلصا فى قصدك وصادقا فى قولك ولتراقبنّ نفسك ان لاتزورن بتلك الكلمات الممتنعات ويوم القيمة ياتيك وانت لاتعرفه او بعد ما تعرفه لو لم تنصره تحزنه فانى قد رايت فى تلك القيمة بعينى ان الذين قد زاروا محمدا رسول الله ثم ائمة الهدى ثم ابواب الابهى ما عرفوهم وقد اكتبوا فى حقهم ما يستحى الله ان يذكره بعد ما هم بالليل والنهار ليزورنهم بكلمات قد نزلت فى الكتب عندهم و انك ستقرئن ذلك الكتاب ولكن اذا

*** ص ١٣٣ ***

ياتيك معناها ان لو تومن بها ولا تحزنه ليستغنى عنك عن بهجتك وايمانك ولا تستعجب عن ذلك وانظر فى الملل المتكثرة فوق الارض فانّ كلّ امة ليزورن بينهم وشهداء بينهم فى دينهم بعد ان قيامتهم قد قضت وانبيائهم وشهداء انبيائهم قد رجعت وهم فى هواء خيالهم الموهومية وشؤونهم لغير الحقيقه يسلكون فلتدبرن حق التدبير فانك انت يا حرف الثالث المومن بمن يظهره الله ليزورن و نفسك بتلك الزيارة ولا يعرفها ولكن الله اذ اشاء ليعرفنك نفسك بقول من يظهره الله فاذا عرفك فاستيقن بمقعدك وتشكرن الله ربك فان كل من قرء تلك الكلمات قد انتهت مددها اليك وستعرفن قدرك بان تنصرن دين الله حق النصر بين يدي الله وان صعب عليك

ذكر الهاء بالافتراق في ذكر ذلك الباب فإنا لتنزل تلك الآية حين ما تقرئها عدد الباب
ليكفينك عن ذكر التوحيد ثم عرش الظهور ثم ذلك الباب ثم حروفات المتممه فضلا من الله
للعالمين شهد الله انه لا اله الا هو وان من يظهره الله لحق من عنده وان اعداد حي الذينهم
يومنون فاولئك هم في كتاب الله المقربون.

دعاى الواجب فى كل يوم الجمعة

*** ص ١٣٤ ***

بسم الله الامنع الاقدس

سبحانك اللهم لاسئلك بالوهيتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات الف يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا. سبحانك اللهم ربّ لاسئلك ببهائك الذى انه هو ممتنع كل بهاء ان تنصرن كل ذات باء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بجودك الذى انه هو ممتنع فوق كل شى ان تنصرن كل ذات جيم يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بديموميتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات دال يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بهدايتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات هاء يومن بمن تظهرنه

*** ص ١٣٥ ***

يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بولايتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات واو يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بزكائيتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات زاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بحياتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات حاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بظاهريتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات طاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة

*** ص ١٣٦ ***

ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بيمينك
الذى انه هو ممتنع فوق كل شى ان تنصرن كل ذات ياء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك
العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بكينونيتك التى انها هى
ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات كاف يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى
انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بطافيتك التى انها هى ممتنعة
فوق كل شى ان تنصرن كل ذات لام يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك
كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بمالكيتك التى انها هى ممتنعة فوق
كل شى ان تنصرن كل ذات ميم يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت
على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك

*** ص ١٣٧ ***

بنواريتك التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات نون يومن بمن تظهرنه يوم القيمة
ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بسبوحيتك
التى انها هى ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات سين يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات
حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بعلوك الذى انه
هو ممتنع فوق كل شى ان تنصرن كل ذات عين يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك
العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بفردانيتك التى انها هى
ممتنعة فوق كل شى ان تنصرن كل ذات فاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى
انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم

*** ص ١٣٨ ***

ربّ لاسئلك بصمدانيتك التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات صاد يومن
 بمن تظهرنه يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ
 لاسئلك بقهاريتك التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات قاف يومن بمن تظهرنه
 يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك
 برحمتك التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات ذاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة
 ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بشاهديتك
 التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات شين يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات
 حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ

*** ص ١٣٩ ***

لاسئلك بتواييتك التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات تاء يومن بمن تظهرنه
 يوم القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك
 بثايتك التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات ثاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة
 ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بخالقيتك
 التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات خاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات
 حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك بذاتيكت التي
 انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات ذال يومن بمن تظهرنه يوم

*** ص ١٤٠ ***

القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك
 بضامنيتك التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات ضاد يومن بمن تظهرنه يوم
 القيمة ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شي قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلك
 بظاهريتك التي انها هي ممتنعة فوق كل شي ان تنصرن كل ذات ظاء يومن بمن تظهرنه يوم القيمة

ذات حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا سبحانك اللهم ربّ لاسئلتك بغنائك
الذى انه هو ممتنع فوق كل شى ان تنصرن كلّ ذات غين يومن بمن تظهرنه يوم القيمة ذات

*** ص ١٤١ ***

حجتك العظمى انك كنت على كل شى قديرا فلاشهدنك على انه لا اله الا انت وان ذات
حروف السبع عبدك قد اقامت به ما اردت فى البيان سبحانك لا اله الا انت انى كنت من
الذاكرين

*** ص ١٤٢ ***

از کتاب چهار شان باب هشتم از واحد پنجم

بسم الله الاشفى الاشفى

الله لا اله الا هو الاشفى الاشفى قل الله اشفى فوق ذا اشفاء لن يقدر ان يمتنع عن مليك
سلطانه اشفائه من احد لا فى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما يخلق ما يشاء بامرہ انه
كان شفء شافيا شفيا سبحان الذى يسجد له من فى السموات ومن فى الارض وما بينهما قل
كل له عابدون والحمد لله الذى يسبح له من فى السموات والارض وما بينهما قل كل له قانتون
شهد الله انه لا اله الا هو له الملك والملکوت ثم العز والجبروت ثم القدرة واللاهوت ثم القوة
والياقوت ثم السلطنة والناسوت يحيى ويميت

*** ص ١٤٣ ***

ثم يميت ويحيى وانه هو حي لا يموت وملك لا يزول وعدل لا يجور وسلطان لا يحول وفرد
لا يفوت عن قبضته من شئ لا فى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما يخلق ما يشاء بامرہ
انه كان على كل شى قديرا وتعالى الذى له ما فى السموات والارض ولا ما بينهما لا اله الا الله
العزیز المحبوب وتبارک الذى له ملك السموات والارض وما بينهما لا اله الا هو المهيمن
القيوم قل ان الله قد نزل البيان بالحق انتم بالحق تقرّون قل انتم بالحق تنطقون ثم انتم بالحق
تحكمون

*** ص ١٤٤ ***

از باب پانزدهم در معرفت اسم افرش (کتاب الاسماء سبز ۲۹)

قل اللهم انك انت قواء السموات و الارض و ما بينهما لتوتين القوة من تشاء و لتزعن القوة عمّن تشاء و لترفعن من تشاء و لتنزلن من تشاء و لتعزن من تشاء و لتذلن من تشاء و لتنصرن من تشاء و لتخذلن من تشاء في قبضتك ملكوت كل شى تخلق ما تشاء كيف تشاء بما تشاء لما تشاء انك كنت قواء مقتويا قويا و لعمر من يظهره الله لو تدومن بذلك و لتقبلن على من على الارض لن يقابلنك من احد اذ كلّ مرايا يحسبون انّ فيها شمس ولكن الشمس في مراتك و هم في الوهم يتوهمون ولكن الذين في البيان هم في جبال اليقين يسلكون.

از کتاب الاسماء سبز ٢٩ باب ابرء

قل اللهم انك انت علام السموات والارض وما بينهما لتوتين

*** ص ١٤٥ ***

العلم من تشاء ولتنزعن العلم عمن تشاء ولترفعن من تشاء ولتنزلن من تشاء ولتعزن من تشاء و
لتنزلن من تشاء ولتنصرن من تشاء ولتخذلن من تشاء ولتغنين من تشاء ولتفقرن من تشاء في
قبضتك ملكوت كل شىء تخلق ما تشاء كيف تشاء بما تشاء لما تشاء انك كنت على ما تشاء
قديرا.

ليلة الجمعة (شب جمعه)

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحانك اللهم يا محبوب من ان اذكرک بذکری ایاک او ان اثني عليك بثنائي في ملكك
اذ اننى اعرف حد كينونيتى بانها معدومة عندك و اشهد على مقام ذاتيتى بانها مقطوعة عن
ابداعك فكيف من عرف حد نفسه و شهد

*** ص ١٤٦ ***

على مقام **انيته** بقدر ان يستعرج من حد فنائه و يصفك بما هو يعرف من آثار فنائه فسبحانك
سبحانك من ان اكون ذاكرک او مثنيک و لو كان الكل يتقربون اليک بتوحيدک فائى اتقرب
بک باعترافى بشركى عندک بانّ توحيدک لايمکن لغيرک لانّ ذکر الغير اعلى دليل بالامتناع و
وجود الاثنية اقوى شهيد على الانقطاع فسبحانک سبحانک و ان كان الكل يتقربون بک
بثنائهم لديک فائى اتقرب بک بتقدیسک عن وصف مادونک و تنزيهک عن نعت ماسواک
اذ وجود الوصف دالّ بالقطع عن الموصوف و ذکر النعت شاهد

*** ص ١٤٧ ***

بانه اثر لا يذكر مع النعوت فسبحانک سبحانک لو انّ الكل يتقربون اليک بما هم يحبونک فانى
اتقرب اليک باقراى على عدم حبيّ لک لانّ ذلك لايمکن لاحد و لو عرفت السبيل او وجدت
الدليل فائى و عزتک لکنّت اول المتناولين و لكن بعد عرفان حدى و ملاحظة فناء وجودى كيف
اتلبس الباطل بالحق و اتقمص الممكن بالحق لا و عزتک ما عرفتک و ما كنت عارفک و ما
وحدتک و ما كنت موحدک و ما احببتک و ما كنت محبّک و ما ذکرتک و ما كنت ذاكرک و
ليس لى حزن بذلك لانّ الكل بمثل لو يدعى احد غير ذلك فادعائه يکذبه و لا يحتاج

*** ص ١٤٨ ***

الى دليل غيره لأنّ الوجود الموحد اعظم دليل على شركه و ذكر الغير بنفسه اشدّ دليل بقطع السبيل عن حبه فسبحانك سبحانك ليس لى العزة الآ فى اعترافى بنار حدى و عرفان فناء كينونتى و اقرارى بقصارى العظمى لنفسائتى و قضايا الكبرى لانيّتى و اشهدك يا محبوبى و لم استشهد غيرك لأنّ شهادة الغير لم ينفعى لأنّ الكل بمثلّى فقراء عندك و محتاجون لديك و انّ استشهد المفتقر عن المفتقر دليل على جهله به و تغيره عنك الآ و ان لا يرى فى ذكر الغير الا طلعتك و لا فى شهادة العبد الا شهادتك فانّ حينئذ حلّ له ذكر

*** ص ١٤٩ ***

السبحات و بيان الاشارات و الآ فسبحانك سبحانك ما علمت ذنبا اكبر من هذا استشهد العبد بدونك او اراد ان يستغنى بسواك فسبحانك سبحانك و كفى بك شهيدا علىّ بائى ما اوحدك و لا اقدر بتوحيدك و لا اثينك و لا اقدر بثناءك و اننى لاعلم بانّ الموحدين يوحدونك بقولهم لا اله الا انت لا و عزتك انى ما اوحدك بتلك الكلمة لانيّ اراها آية فى ملكوتك و صفة من اسماء سلطان ارادتك فكيف اجعل **حظ** العباد توحيدك يا ربّ الايجاد كيف **مثنيك** بثناء خلقك و اّتك متعال

*** ص ١٥٠ ***

بان توصف بالاضداد فسبحانك سبحانك احرق بنار عدم توحيدى نفسى و لم اخرج من حد فوادى و لا ادعى ما لا يمكن فسبحانك سبحانك بعد تلك السبل المسدودة و هذه الطرق المضنّدة ما رايت لى وصلا حتى اتسلى نفسى بيومه و على يوم لقا حتى اسكنّ نفسى بوعدده فسبحانك سبحانك لاحزن لى بذلك لأنّ الممكن لم يزل و لا يزال فى نار نفسه و حزن ذاته فسبحانك سبحانك اىّ نار اكبر من ذكر وجودى عندك و اىّ عقاب اعظم من ثناء كينونيتى لديك و اىّ عذاب اشدّ من توحيدى اياك ان لم اكن مثل

*** ص ١٥١ ***

الغافلين الذين يشركون بك فى توحيدهم ويزعمون انهم يوحدون ويكذبون من ثنائهم ويحسبون انهم ينعوتون ويحرقون بنار الامكان فى افئدتهم ويزعمون انهم متنعمون فسبحانك سبحانك ما للنار الا النار ولا يمكن فى مقام الاغيار دار القرار فاليك اقبل يا سلطاني و عليك افديا مليك القهار رجاء نوافلك وفضائلك يا ستار اعتمادا بمواهبك و عناياتك يا غفار اذ بيدك سلطان التقدير فى افلاك سماء الاسرار وفى قبضتك ملكوت التدبير فى غياهب بروزات الاخيار وان

*** ص ١٥٢ ***

هذه ليلة اليك ترفع الاصوات وانت الذى لا يفوتك ذكر فاعت و بيدك حيوة العظام بعد الرمم اللهم اشهدك ان افئدتنا بما اكتسبت ايدينا رميمه فانية ومقرنه بذكر الغيرية فى لجه المحبة فانزل من سماء محبتك علينا ماء الافصال وامن علينا بايات الاجلال اذ انك كثير النوال و شديد المحال و ذوالكيد و المحال و ذوالجود و الجمال فاحى تلك الرمامات بمنك يا مالک الاسماء و الصفات و نور تلك الظلمات بفضلک يا رب الارضين و السموات و ارفع هذه السبحات من اشارات ما سطر فى الرقوم المسطرات

*** ص ١٥٣ ***

بما نزلت فى مواطن الآيات و الزبرات اى رب عبيدك فانيك و سائلك وافدك و راجيك مشتاقك و طالبك نازل اليك هب لى اللهم فى هذه الليلة الجمعة من فواضل ما وهبت لمحمد و على و آلهما المعصومين و بارك فيما كتبت و قرب لى ايام لقائى فانك تعلم سرى و ما تهوى اليه نفسى خلصنى من بين العباد و بلغنى الى ساحة القرب و الامداد و ارفع عن عينى حكم الاضداد و الانداد بما توصلنى الى ذروة الاسماء و حضيض اوج الاجاء ايرب كلى عدم بحث و فقر محض و عجز

*** ص ١٥٤ ***

صرفً واضطرابات ما رايت المفرا لا ان القى نفسى بين يديك يا ربّ القدر اذ انك انت
بالمنظر تفعل ما تشاء بفضلك اّك انت وهاب مقتدر فاصنع اللهم لى و باهل محبتك ممن
هو فى علمك بما انت انت انك انت الله الملك الرفيع و الفرد المنيع و الجواد الوهاب
المتعال سبحان ربك ربّ العزة عمّا يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين .

*** ص ١٥٥ ***

*** ص ١٥٦ ***

توقيع مبارك

قل ما شاء الله لا بهاء الا لله رب السموات ورب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا ضياء الا لله رب السموات ورب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا علاء الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا كبرياء الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا جمال الا بالله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا عظمة الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا قوة الا لله رب

*** ص ١٥٧ ***

السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا سطوة الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا نور الا بالله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا رحمة الا بالله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا عزة الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا علو الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا سمو الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله الاكمال الا لله

*** ص ١٥٨ ***

لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا فعال الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا اضاء الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا حب الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا سلطنة الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا ملك الا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين قل ما شاء الله لا من الا لله رب السموات و رب

*** ص ١٥٩ ***

الارض ربّ العالمين قل ما شاء الله لا آيات الا لله ربّ السموات وربّ الارض ربّ العالمين قل
 ما شاء الله لا كلمات الا لله ربّ السموات وربّ الارض ربّ العالمين قل ما شاء الله لا غناء الا لله
 ربّ السموات وربّ الارض ربّ العالمين قل ما شاء الله لا علم الا لله ربّ السموات وربّ
 الارض ربّ العالمين

*** ص ١٦٠ ***

هو الاکبر

حضور جده و والده ذکر می شود که الحمد لله حیات صحت را دارم و تمنائی جز رضای الهی نیست خداوند عالم جل اجلاله عزملاقات مقدر فرماید هرگاه برحقیقت امر موفق شده اید که علوی در علم خداوند فوق آنچه خداوند منت گذارده متصور نیست اگر چه ثمره کل اعمال راجع می گردد به قبول الهی و قبول الهی ظاهر نمی گردد الا در محلی که حجّت ثابت باشد الغرض حزن ها در جنب موهبة الهی بلا ذکر می گردد فقراتی بسید^{۱۱} (خال) نوشته شد هرگاه مشرف به این عز شده از قبل من قبول زیارت فرموده هر قسم که

*** ص ۱۶۱ ***

رضای شریف است ذکر شود که فضل الهی در حق سگان بیت بلانهایه بوده و هست و آنکه همیشه متعجب بودید از رجعت هرگاه به ملاحظه حفظ نبود ذکر می شد هرگاه سید^{۱۱} مقتضی دانند ذکر خواهند نمود و در هر حال اسباب فضل و جود الهی بوده و هست محزون نباشید مدتی قبل میرزا علی اکبر روانه بود صحیفه دعا های اهل بیت را فرستادم و نوشتم پنج دانه چهار قد ده دانه دستمال بفرستند بعد از وصول هر قسم رای شریف است فرموده باشید و خداوند ذاکر عباد خود بوده و هست و کفی به ولیا و وکیلا و کفی به علیمآ و حسیبآ و کفی بریک هادیآ و نصیرآ .

*** ص ۱۶۲ ***

هو الاعلی هر دو صفحه بملاحظه سید^{۱۱} خواهد رسید هرگاه اراده وطن نمودند این صفحه را به جده و والده و صفحه آیات را بدهند نگاه دارند و الا نزد میرزا جواد برود که برساند و مستور دارد ذکر آن را لعل حزنی بر کسی وارد نیاید

معظمه جده منور فرمایند الله اکبر

قل اللهم انک انت صاحب السموات و الارض و ما بینهما لتوتین الصحبة من تشاء و لتزعن الصحبه عمّن تشاء و لترفعن من تشاء و لتنزلن من تشاء و لتغرن من تشاء و لتذلن من تشاء و لتنصرن من تشاء و لتخذلن من تشاء و لتغنین من تشاء و لتفقرن

*** ص ۱۶۳ ***

من تشاء فی قبضتک ملکوت کل شیء تخلق ما تشاء بامرک انک کنت علی کل شیء مقتدرا

معظمه والده منور فرمايند الله اكبر

قل اللهم انك انت فطّار السموات والارض وما بينهما لتويتن الفطرته من تشاء ولتنزعن الفطرته
 عمّن تشاء ولتعزن من تشاء ولتدّلن من تشاء ولترفعن من تشاء ولتنزلن من تشاء ولتنصرّن من
 تشاء ولتخذلن من تشاء ولتغنّين من تشاء ولتفقرن من تشاء فى قبضتك ملكوت كل شىء تخلق
 ما تشاء بما تشاء ولما تشاء انك كنت على ما تشاء مقتدرا .

*** ص ۱۶۴ ***

یا خیر الحافظین در خانه خودمان همشیره آقا میر سید

بسم الله تعالی

جان شیرین من حرسک الله تعالی

لا تحسبن انقطاع الكتب من ملل
لا کنما خطبت الیک یدی

او انّ فی القلب شیئا کان یشغله

حرفاً تسابقه دمعی فیغسله

خداوند شاهد است از زمان دوری از ملاقات نه این قدر حزن احاطه نموده که توان نوشت ولی
از اینجائی که تقدیر جاری است بر وفق مصلحت این قسم جاری گشته خداوند

*** ص ۱۶۵ ***

عالم بحق خمسة النجبا علی احسن الوجه اسباب مراجعت را جاری فرماید دو روز است که وارد
بوشهر شده ام گرما شدت دارد ولی خداوند عالم حافظ است در هر حال در همین ماه ظاهراً
کشتی روانه شود خداوند عالم از فضل خودش حفظ فرماید صاحبه معظمه والده در وقت روانگی
ملاقات میسر نشد عرض سلام بگوئید و طلب دعا هم کرده باشید در باب یکرشته ترمه انشاء الله
به بمبئی خواهم نوشت کنیز هم در نظر دارم انشاء الله هر قسم مقدر است خواهد شد و السلام
علیک ورحمة الله وبرکاته .

*** ص ۱۶۶ ***

هو الاحفظ

همشیره سید^{۱۱۸}

هو الاعز الابهی

سبحانک اللهم یا الهی لاشهدنک وکل شی علی انک انت الله لا اله الا انت وحدک
لاشریک لک لک الملک و الملکوت و لک العز و الجبروت و لک القدرة و الاهوت و لک
القوة و الیاقوت و لک السلطنة و الناسوت و لک العزة و الاجلال و لک الوجهة و الجمال و لک
الطلعة و الکمال و لک القوة و الفعال و لک الهیة و المثل و لک العظمة و الاستقلال و لک
الکبریا و الاستجلال و لک الرحمة و الفضال و لک السطوة

*** ص ۱۶۷ ***

و العدل و لک المثل و الامثال و لک المواقع و الاجلال و لک العزة و الامتناع و لک القوة و
الارتفاع و لک البهجة و الابتهاج و لک ما احببته او تحبته فی ملکوت الامر و الخلق لم تزل
کنت الها واحدا احدا صمداً فرداً حياً قیوماً دائماً آمراً معتمداً متعالياً ممتنعاً ما اتخذت لنفسک
صاحبة و لا ولدا و خلقت کل شی بقدرتک تقدیراً یحیی و یمیت ثم یمیت و یحیی و انک انت
حی لا تموت و ملک لا تزول و عدل لا تجور و سلطان لا تحول و فرد لا یفوت عن قبضتک من
شی لا فی السموات و لا فی الارض و لا بینهما تخلق ما تشاء بامرک انک کنت علی کل شی
قدیراً. صفحه نگارش

*** ص ۱۶۸ ***

شده را عالم و ناظر گشته اینکه ذکر از نرسیدن خطوط شده نه این است که ذکر نشده باشد بل
شده و نرسیده در هیچ حال خیال حزن ننموده که آنچه حضرت ربّ العزّه مقدر فرموده خیر است
امیدوار به فضل الهی بوده که حزن‌ها در هر شان مرتفع شود در هر شان نور چشم میرزا جواد را

امر نموده که صحت همه‌گی را نوشته باشد و آنچه بخواهید گرفته و هرگاه از یزد باید بیاید بنویسند بیاورند و اگر از این سمت است ذکر نموده که خواهد رسید معظمه والده را که ذکر نموده بودید خداوند در هر حال وجود شریف ایشان را با کل حفظ فرماید

*** ص ۱۶۹ ***

هرگاه حزن بیند رافع خواهند بود و هر جا که محزون نباشند محل سکون باشد و بهاء قلمکار را صرف نمائید ذکر آن هم سزاوار نیست و مخمل و غیره که خواسته بودید فرستاده شد با یک شیشه عطر به حضور معظمه جدّه سنه ۱۴ متذکر شوید و کل را مذكر بذكر باشید.

(توقیعات مبارکه بر حسب دستور جناب مستطاب عالی آقای حاج میرزا حبیب الله افغان سدره مبارکه خادم (متولی) بیت مبارک شیراز از روی خطوط مقدس حضرت اعلی روح ماسواه فدا عبد فانی یحیی تشویق شیرازی استتخ نمود شهر الرحمه ۹۹)

*** ص ۱۷۰ ***

هذه الورقة البديعة التي قد ارسلها الباب عليه السلام

من المسقط الى البيت (توقيع مبارك از مسقط برای مادرش)

بسم الله الرحمن الرحيم

اقرء كتاب ربك الله الذي لا اله الا هو قد نزل باذنه من لدن على حميد وائه في حكم
الكتاب من لدن ولدك على هذا صراط الله في السموات والارض قد نزل على صراط قويم ان
اشكرى الله ثم اسجدى فان وعد الله الحق وانه يعلم ما في السموات وما في الارض لا اله الا
هو العزيز الحكيم تنزل الروح في كل حين على قلبى لتتلوا

*** ص ۱۷۱ ***

كتاب في ما يشاء بلسان عربى فصيح ان اذكرى لله ربك عند مطلع الشمس و مغربها و حين
الزوال مركزها ثم بلغنى سلام ولدك الى جدتى و من تحب من ذوى القربى فان اجل الله لآت
بالحق و الله سميع عليم.

(این توقيع مبارك حضرت اعلى روح ماسواه فداه كه از مسقط نازل فرموده اند از روى كتابچه
كه نزد ناشر نفعات الله و مبلغ امرالله آقاى ميرزا منير نبيل زاده بود بر حسب دستور حضرت افنان
سدره مباركه آقاى حاج ميرزا حبيب الله افنان اعلاى اين فانى يحيى تشويق استنساخ نمود
شهرالرحمه)

*** ص ١٧٢ ***

توقيع برای حال اعظم (توقيع قائمیت)

هوالكبر

بسم الله الامنع الاقدس

شهد الله انه لا اله الا هو له الخلق و الامر يحيى و يميت ثم يميت و يحيى و انه هو حى لا يموت فى قبضته ملكوت كل شى يخلق ما يشاء بامرہ انه كان على كل شى قديرا قل هو الحق لا اله الا هو يحيى و يميت ثم يميت و يحيى و ان اليه كل يبعثون ذلكم الله ربكم له الخلق و الامر لا اله الا هو العزيز المحبوب هو الذى بيدع ما يشاء بامرہ كن فيكون هو الذى يحيى و يميت و ان اليه كل يقربون و له اسلم من فى السموات و من فى الارض و ان الى الله كل

*** ص ١٧٣ ***

يرجعون و له ما سكن بالليل و النهار و ان اليه كل ينقلبون و له يسجد من فى السموات و من فى الارض و ما بينهما و ان الى الله كل يومئذ يحشرون قل هو القائم على كل نفس يعلم ما كسبت و يشهد على ما تكسب و انه لهو الحق العلام الغيوب قل الله حق و ان ما دن الله خلق و كل له عابدون قل الله رب و ان ما دون الله عبد و كل له ساجدون و ما كان الله ان يعزب من علمه من شى لا فى السموات و لا فى الارض و لا ما بينهما انه كان بكل شى عليما و ما كان الله ان يمتنع عن قوته من شى لا فى السموات و لا فى الارض و لا ما بينهما

*** ص ١٧٤ ***

انه كان قويا قديرا قل هو القاهر عليكم من بين ايديكم و الظاهر قوى عن ورائكم و المهيمن عليكم من فوق روسكم و الممتنع عليكم عن يمينكم و المرتفع فوقكم عن شمالكم ليحفظنكم عن كل شطركم كيف يشاء بامرہ انه هو الفرد الممتنع المهيمن القيوم و ما كان الله ان يعجزه من

شیء لا فی السموات ولا فی الارض ولا ما بینهما اِنَّه کان علی کل شیء قدیراً. از آنجائی که همیشه صبح می دیدم تلاوت می فرمودید آمنت بسّر آل محمد الخ خواستم کشف غطاء شود که عمل مطابق ذکر قولی شود از وقت نزول قرآن تا نوزده (۶۶) سنه که عدد الله باشد

*** ص ۱۷۵ ***

ظاهر آل محمد که هر (۶۶) حول یک حرف بسم الله الرحمن الرحیم گذشت و چهار سنه مزید بر صورت جمع چهار کلمه بود که به زمان شیعه خالص گذشت اعنی حاجی سید کاظم علیه صلوات الله ثم علیه سلامه و از این جهت بود که حروف بسم الله الرحمن الرحیم که کل قرآن در اوست نزد او جمع شدند و نوزده روز که به اول ظهور سر مانده به ملاعلی واصل و اول سنه ۱۲۶۰ اول ظهور سر بود و از این جهت بود نزول کلمه لاحول و لاقوة الا بالله العظیم بعد از عدد نفی، اثبات به سنه (۱۲۶۰) ختم می شود و بدء ظهور سر محمد و آل محمد

*** ص ۱۷۶ ***

علیهم صلوات الله ثم کل بهائیه می شود و چون که ظهور سر ظهور الله است نه ظهور به شان نبوت و ولایت بل ظهور ربوبیت از این جهت بود که ظاهر شد به ظهور اننی انا الله لا اله الا انا و در حین ظهور اول کسی که به او بیعت کرد محمد بود چنانچه نصّ حدیث است بعد امیرالمومنین^۴ بعد ائمه علیهم السلام و این است آیه اذ قال یوسف لایه یا ابت انی رایت احد عشر کوباً و الشمس و القمر رایتهم لی ساجدین بدان که عدد یوسف (۱۵۶) عدد قیوم (۱۵۶) و مراد قائم آل محمد علیه السلام و اوست حی قیوم و از این جهت بود که در بدء ظهور

*** ص ۱۷۷ ***

سوره اسم خود را تفسیر کرد و هر سوره را در آیه از قرآن عنوان فرمود تا اشاره باشد بر آنکه اوست نقطه قرآن در باء بسمله که در حدیث است که کل قائم به اوست و چهل آیه بدیعه قرار داد که اشاره باشد به عدد لی (۴۰) در آیه رایتهم لی ساجدین سوره ذوی القرباه را خوانده که

فضل ما از قبل بوده ولی از آنجائی که ظهور **ما** ظهور نارالله بود در قیامت اعنی رکن لا اله الا الله که مقام بسم است و محمد رسول الله رکن هواء است و علی و الائمه حجج الله رکن ماء است که متعلق به اسم رحمن است

*** ص ۱۷۸ ***

ورکن تراب متعلق به اسم رحیم است که به اول کل خلق می شوند بر فطره لا اله الا الله و به رکن ثانی رزق داده می شوند و به ثالث می میرند و به رابع زنده می شوند و اشخاصی که همیشه می خوانند رضیت بالله رباً هرگاه صادق بودند در قیامت داخل نارالله می شدند زیرا که در قرآن بود فبای حدیث بعد الله و آیاته یومنون و همه مقر بودند که غیرالله قادر نیست آیه نازل فرماید که اگر این امری بود که از شان بنده بود از یوم نزول قرآن تا سنه ۱۲۶۰ که ۱۲۷۰ سال گذشت کسی آیه آورده بود همین قدر که کسی

*** ص ۱۷۹ ***

آورد دلیل است که از غیر خداوند نیست بل از قبل اوست و دلیل واقع وجوده اثباته و آیاته دلیل و همین است معنی عرفتک بک در دعاء اعرفوا الله بالله در حدیث و معنی اللهم عرفنی نفسک الخ و ما شناسانیدیم مردم را نفس خود ولی کسی مشعر نشد و قدر ندانست و اول کسی که رجعت به دنیا کرد رسول خدا بوده و اوست اول رسول قائم و بعد امیرالمومنین بود که رسالت طرف بوشهر را فرمود و آمد نزد شما و نشناختید نظر به روز اول کنید که هفت سال غیر او کسی ایمان

*** ص ۱۸۰ ***

به رسول خدا نداشت و امروز چه قدر مدعی ایمان هستند و لابد است معنی حدیث سیرجع الاسلام غربیاً کما بدء فطوبی للغریاء کذلک سایر اهل بیت رجوع کردند و خداوند به وعده خود وفا فرموده و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا الخ و دو مرتبه حضرت قائم که لسان الله است ائمه گردانید ایشان را الحاصل قیامت صغری برپا شد و یوم مقداره خمسين الف سنه ظاهر شد

وکل شی حشر و نشرش شد و ظاهر شد قول الله وکل شی هالک الا وجهه وکل جزا داده شدند.

*** ص ۱۸۱ ***

ولی اقارب را از جهت فضل در استثناء داخل می‌کنیم لاجل حب ایشان زیرا که مقر به حروف وجه که ۱۹ است بوده‌اند اگر چه محجوب بوده‌اند ولی اگر به ظهور عدل منتظر، جزا دهیم احدی مستحق نمی‌شود غیر از آنکه ماسوی که مشتمل خاکی هستند به فضل بیامرزیم سیلی در بقاء آیه توحید ایشان نیست قسم به خداوندی که جانم در قبضه اوست که کسی را مومن از روی بصیرت نمی‌بینم طینی را که به آیه و لله علی الناس حج البيت طواف می‌کنند به اینکه منسوب به خدا است و صاحب کلامی که حج و کلّ دین به قول او برپاست بل نبوت نبی و ولایت ولی ثابت است

*** ص ۱۸۲ ***

به قول او، چهار هزار (۴۰۰۰) مفتی چگونه حکم می‌کنند کل و اعمالشان را هباً منثورا کردیم این است معنی آیه که اگر ما علی الارض را فدا دهند نجات از فزع و آنچه در قیامت هست نمی‌یابند چه مال و چه علم که ثمر ندارد این است معنی و لله المکر جمیعا در لباس عبودیت ظاهر می‌شود به حجتی که دین ایشان برپاست و شاهد می‌گیرد هر نفسی را بر عملش فرق نار و نور عدد باب (پنج) است هر کس داخل، در نور است و الا در نار است امروز اهل جنت و نار را به همین بشناسید و جدّه و والده را از قبل من زیارت فرمائید و نار الله را برد و سلام برای ایشان کرده نور فرمائید شما یکی از انبیاء الله بوده‌اید حرکت فرمائید که حفظ همگی به شما است.

توقیع مبارک به حضرت حرم

*** ص ۱۸۳ ***

هو الابهی الاجل الاجمل الاعظم الانور

جان عزیز من در هر حال به تسبیح حق قلب خود را ساکن نموده و از فضل الهی یوم وصل را سائل بوده که هر چه خیر است خداوند عالم مقدر فرموده و جاری خواهد فرمود و حزن من از سگان بیت هست که حزنی وارد نشود و الا غیر از رضا به حکم الهی تسلی نیست ذکر سلام نزد والده و همگی ذکر شود و الصلوه علی محمد و آله فی کل حین.

(توقیع منیع مبارک خطاب به حضرت حرم مبارک در حینی که آن حضرت در مشهد فدا به ید اعدا مبتلا بودند)

*** ص ۱۸۴ ***

هو الله تعالى شانه العزيز جناب قدس خطاب اشرف الحاج قبله محترم حاجی عبدالوهاب ادام
الله تائیده منور فرمایند

تقاضا از مخاطب برای اقدام در جهت رفع ظلم وارده

هو الله تعالى

قبله موید المطاع الممجد ادام الله فضلكم

اگر چه به صورت شرف حضور را درک نکرده ولی به حکم الارواح جنود مجتده رشته محبت
را متصل دیده در مقام ذکری از اضطرار خود برآمده که بمشیه الله و قدرته سبب رفع ظلم گردد
اگر چه کما هو علیه امر در مرات خواطر فیض مظاهر مشهود است و تحریر ان الآن باعث تعطیل
ولی مجملی از مفصل به حکم عدل الآن درید ظالمی مظلوم و متوقع از عنایت آن سرور چنان
است که به نظر عطوفت اصلاح امر را به نوعی که از مصدر حکم مرتفع گردد فرموده و هرگاه
مقرون به صلاح ملاحظه فرمایند اذن مرخصی حضرات سوار را مقرر فرموده که هرگاه خداوند
عالم عز ذکره مقدر فرموده باشد استخلاص حاصل شده درک فیض حضور را نموده و قلب خود
را باظهار ما ستر فیه ساکن گرداند و السلام علی الناظرین بطلعتکم و رحمة الله و برکاته .

(در پشت صفحه خط مبارک حضرت اعلی ارواحنا فداه القاب و اسم را مرقوم فرموده اند در
صدر قلمی شد.)